

سازوکار و نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم*

سید حسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده

وقوع انقلاب صنعتی جوامع صنعتی را بر آن داشت تا برای تأمین نیازهای خود جوامع ماوراءدریایا را در اقتصادی جهانی ادغام کنند. هدف از این اقدام تبدیل کردن جوامع ماوراءدریایا به محلی برای صدور کالاهای ساخته شده صنعتی و تأمین مواد اولیه بود. بر پایه چنین هدفی بود که جوامع سرمایه‌داری در قرن نوزدهم با استفاده از دو سازکار ایجاد قلمروهای استعماری و تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی با اعمال فشارهای سیاسی جوامع ماوراءدریایا را در اقتصاد جهانی ادغام کردند. از این قاعده ایران هم در قرن نوزدهم مستثنی نبود. بر این اساس مقاله حاضر در صدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و طرح این پرسش که سازوکار و نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم چه بود؟ به بررسی سازوکار و نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم بپردازد. دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که ایران با سازوکار تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی در اقتصاد جهانی ادغام شد. چنین ادغامی در قرن نوزدهم مخصوصاً در نیمه دوم آن دو نشانه مهم داشت. نخستین نشانه تغییر شیوه تولید اقتصاد کشاورزی ایران از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری با هدف تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی به بازارهای جهانی بود. دومین نشانه چنین ادغامی رشد روزافزون واردات کالاهای ساخته شده مصرفی در راستای تبدیل شدن ایران به محلی برای صدور کالاهای ساخته شده صنعتی بود. واژگان کلیدی: ایران، اقتصاد جهانی، قرن نوزدهم، نظام سرمایه‌داری.

The Mechanism and the Evidence of Iran's Merging in the 19th Century World Economy

Seyed Hassan Shojaee-divkalaee²

Abstract

Industrial Revolution enticed the industrial countries to merge overseas countries with world economy in order to meet their needs. These countries intended to make overseas countries a market for their industrial products and to supply their raw materials from such countries. For this purpose, in 19th century the capitalist societies, with two policies of establishing colonial territories and imposing commercial, customs and legal treaties with political force, tried to merge overseas countries with world economy. Iran was no exception. Therefore, this article intends to conduct a historical research and to pose the question of what were the proofs and indications of Iran's merger with world economy in 19th century. The results of this research show that Iran was merged into world economy with the mechanism of forced commercial, customs, and legal contracts. This merger in 19th century, especially in the second half, had two indications. The first one was a change in Iran's economic agricultural production from livelihood agriculture to a commercial one with the purpose of exporting raw materials of agriculture to the world market. The second one was the daily growth of imported consumer goods that paved the way for making Iran a market for such goods.

Keywords: Iran, World economy, 19th Century, Capitalist system.

۱. استادیار بخش تاریخ دانشگاه مازندران * تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۷/۱۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۰/۸
2. Assistant Professor, Department of History University of Mazandaran. Email: H.shojaee@umz.ac.ir

مقدمه

زاد و رشد نظام سرمایه‌داری در اروپا و توسعه آن به سرزمین‌های خارج از این قاره، سرزمین‌هایی که اروپائیان از آن‌ها تحت عنوان جوامع ماوراء‌دریایها نام می‌بردند، موجب شکل‌گیری مناسبات اقتصادی جدید بر اساس منافع جوامع سرمایه‌داری شد. تجلی این مناسبات اقتصادی در بازار جهانی نظام سرمایه‌داری بود. روابط و منطق حاکم بر این بازار در نخستین مرحله سرمایه‌داری (عصر سرمایه‌داری تجاری) بر پایه مبادلات کالاهای بومی مناطق مختلف استوار بود. در این مبادلات جوامع اروپائی پیشگام در عصر سرمایه‌داری تجاری با برخورداری از ناوگان‌های تجاری کارآمد نقش مهمی داشتند. تحقق این وضعیت اگرچه منجر به شکل‌گیری بازار جهانی جدید بر پایه مناسبات عصر سرمایه‌داری تجاری شد؛ اما منجر به ادغام جوامع ماوراء‌دریایها در اقتصاد جهانی نشد. شاهد اثبات این مدعا معیشتی ماندن بخش‌های مختلف اقتصاد جوامع ماوراء‌دریایها در عصر سرمایه‌داری تجاری بود. چنین تغییری در مرحله دوم سرمایه‌داری (عصر سرمایه‌داری صنعتی) اتفاق افتاد.

گذار از عصر سرمایه‌داری تجاری به سرمایه‌داری صنعتی محصول انقلاب صنعتی در اروپا بود. انقلاب صنعتی موجب به وجود آمدن نیازهای اقتصادی جدید در جوامع صنعتی شد. تلاش‌های جوامع صنعتی برای رفع این نیازها، اقتصاد جهانی قرن نوزدهم را بر پایه مناسبات نظام سرمایه‌داری صنعتی به وجود آورد. تجلی شکل‌گیری اقتصاد جهانی، در بازار جهانی نظام سرمایه‌داری با کارویژه‌های مشخص برای هر یک از جوامع سرمایه‌داری صنعتی و جوامع ماوراء‌دریایها بود. بدین ترتیب بود که تقسیم‌کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری شکل گرفت و جوامع سرمایه‌داری به منظور رفع نیازهای خود کارویژه جوامع ماوراء‌دریایها را در چهارچوب تقسیم‌کار بازار جهانی به آنها تحمیل کردند.

تحمیل کارویژه جوامع ماوراء‌دریایها در تقسیم‌کار بازار جهانی که به منزله ادغام این جوامع در اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری بود با دو سازوکار در قرن نوزدهم صورت گرفت. سازوکار اول ایجاد مستعمرات بود. در این سازوکار جوامع سرمایه‌داری از طریق اشغال کامل نظامی یک منطقه یا کشور هژمونی سیاسی و اقتصادی خود را به صورت کامل بر آن تحمیل می‌کردند و آن سرزمین را به عنوان قلمروهای استعماری به صورت انحصاری در اختیار می‌گرفتند. هند توسط انگلستان و الجزایر توسط فرانسه به همین شیوه استعمار شده و در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم ادغام شدند. سازوکار دوم، تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی به سرزمین‌های مستقل با

استفاده از ابزارهای سیاسی و نظامی بود. جوامع سرمایه‌داری با استفاده از چنین سازوکاری برخی از جوامع ماوراء‌دریاها را با هدف تحمیل کارویژه تقسیم‌کار بازار جهانی در اقتصاد جهانی نظام قرن نوزدهم ادغام کردند. عثمانی، مصر و چین از جمله کشورهایی بودند که در قرن نوزدهم بر پایه چنین سازوکاری در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم ادغام شدند.

در این میان ایران هم طی قرن نوزدهم از تحولات و فعل و انفعالات نظام جهانی سرمایه‌داری بی‌تأثیر نماند. این دوره از تاریخ ایران که هم زمان با عصر حاکمیت قاجار در کشور است متأثر از همین تأثیرپذیری، در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم ادغام شد. برای اثبات این ادعا مقاله حاضر در صدد است تا با استفاده از روش تحقیق تاریخی و طرح این پرسش که سازوکار و نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم چه بود، به بررسی سازوکار ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم و نشانه‌هایی که در نتیجه چنین ادغامی در جامعه ایرانی ظهور و بروز کرد بپردازد.

سازوکار ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم

ادغام ایران در اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری جریانی تدریجی بود که با آغاز قرون نوزدهم متأثر از تحولات بین‌المللی و سیاست‌های استعماری قدرت‌های اروپایی آغاز شد. از ابتدای این قرن ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود در مجاورت مرزهای هندوستان و روسیه محل توجه و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی سه کشور انگلستان، روسیه و فرانسه قرار گرفت. تحت چنین شرایطی بود که ایران محل برخورد سیاست‌های استعماری این قدرت‌های استعاری قرار گرفت. در این میان آنچه که در نخستین گام مقدمات ایجاد چنین برخوردی را ایجاد کرد مسأله هندوستان بود.

تسلط انگلستان بر هند و اهمیت اقتصادی این سرزمین به عنوان شاه‌رگ حیاتی اقتصاد انگلستان همواره ضرورت دور ننگه داشتن هند از نفوذ و تسلط قدرت‌های استعماری رقیب را در اولویت سیاست دستگاه دیپلماسی انگلستان قرار داده بود. این مسأله موجب تلاش رقبای انگلستان برای دستیابی به هند با هدف تضعیف و ضربه زدن به انگلستان در قرن نوزدهم می‌شد. در چنین شرایطی بود که فرانسه و روسیه به عنوان دو رقیب جدی انگلستان در عرصه سیاسی و رقابت‌های مستعمراتی، نفوذ به هند را مورد توجه قرار دادند. تحت تأثیر همین مسأله بود که ایران به عنوان یکی از راه‌های اصلی رسیدن به هند مورد توجه انگلستان، روسیه، و فرانسه قرار گرفت.

بر این اساس می‌توان عنوان کرد که در گام نخست توجه قدرت‌های استعماری به ایران بر اساس انگیزه‌های سیاسی بود تا اقتصادی. این رویکرد اما در ادامه قرن نوزدهم تغییر کرد و اهداف

و انگیزه‌های اقتصادی در رویکردهای قدرت‌های استعماری به ایران پر رنگ شد. در پی این تغییر رویکرد بود که ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم از طریق تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی با استفاده از اعمال فشارهای سیاسی و نظامی محقق گردید. نخستین گام در این زمینه توسط انگلستان برداشته شد.

در سال ۱۸۰۰م. سرجان ملکم با هدف رفع نگرانی از تهدیدهایی که از جانب افغانستان و فرانسه گریبان‌گیر هند بود از جانب لرد ولزلی^۳ فرماندار کل هند به ایران اعزام شد. چنین نگرانی را می‌توان در مفاد قرارداد سیاسی که میان ملکم و صدراعظم حاج ابراهیم‌خان کلانتر در شعبان ۱۲۱۵ق. / ژانویه ۱۸۰۱م. امضاء شد مشاهده کرد. در این قرارداد ایران متعهد شد در صورت تهاجم افغانستان به هند به افغانستان لشکرکشی کند و همچنین از حضور نیروها و قشون فرانسه در ایران جلوگیری نماید.^۴ در کنار این قرارداد سیاسی یک قرارداد تجاری نیز میان مالکوم و حاج ابراهیم منعقد شد که بر اساس آن مقرر شد به تجار انگلستان و هندوستان و همه کسانی که در خدمت دولت انگلیس بودند اجازه داده شود در هر نقطه از خاک ایران که خودشان صلاح می‌دانند اقامت کنند و کالاهایی که متعلق به دولتین انگلستان و هند است، از پرداخت مالیات و عوارض دولتی معاف شوند. در ماده الحاقی این قرارداد تجاری برخی کالاها تجاری وارداتی انگلستان به ایران مانند آهن، سرب، فولاد، و پارچه ذرعی از پرداخت هر نوع مالیات و حقوق گمرکی معاف شدند و مقرر گردید که بر میزان مالیات و عوارض گمرکی سایر کالاهای وارداتی از انگلستان و هندوستان افزوده نگردد.^۵ پس از امضاء این قرارداد فتحعلیشاه طی فرمانی خطاب به فرمانداران، افسران، و منشیان بنادر، سواحل و جزایر ایالات فارس و خوزستان آنان را به رعایت مفاد قرارداد و اجرای آن ملزم کرد.^۶

بدین ترتیب با امضاء این قرارداد تجاری مقدمات نفوذ اقتصادی انگلستان بر ایران در قرن نوزدهم فراهم گردید. البته ناگفته نماند که اهداف انگلستان از انعقاد قراردادهای سال ۱۲۱۵ق. بیشتر سیاسی بود تا اقتصادی. هر چند که منافع اقتصادی و سیاسی مورد نظر انگلستان از انعقاد این قراردادها حاصل نگردید. زیرا انعقاد معاهده فین‌کن اشتاین میان ایران و فرانسه در مه ۱۸۰۷م. /

3. Lord Wellesley(1842-1760)

۴. سردیس رایت، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه اسکندر دلد (تهران: انتشارات نهال، ۱۳۶۴)، ص ۱۹.

۵. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم، ج ۱، چ ۴ (تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکا، ۱۳۵۳)،

ص ۳۹-۳۶

۶. رابرت گرانت واتسن، تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا ۱۸۵۸، ترجمه ع. حیدم‌زدرانی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰)، ص

صفر ۱۲۲۲ق. خط بطلانی بر این قرارداد و دست‌آوردهای مورد نظر آن کشید. بر اساس معاهده فین‌کن اشتاین ایران متعهد شد که ۱: روابط خود را با انگلستان قطع کند. ۲: به هندوستان از طریق افغانستان حمله کند. ۳: در حمله ناوگان‌های فرانسه به هند به ناوگان‌های فرانسه در بنادر جنوب ایران مساعدت کند. ۴: به سپاه فرانسه اجازه استفاده زمینی از خاک ایران را دهد و در لشگرکشی فرانسه به هند با سپاه فرانسه همراهی کند.^۷

مفاد معاهده فین‌کن اشتاین اهداف انگلستان برای استفاده از ایران جهت حفظ مرزهای هندوستان را با ناکامی مواجه کرد. در این میان آنچه که ایران را به انعقاد چنین قراردادی ناچار کرد، شانه خالی کردن انگلستان از انجام تعهدات نظامی قرارداد ۱۲۱۵ق. نسبت به ایران پس از شروع دوره اول جنگ‌های ایران و روس در سال ۱۸۰۴م./۱۲۱۷ق. بود. در چنین شرایطی ایران ناچار به جلب حمایت نظامی فرانسه شد که ایران را به عنوان راه نفوذ به هند می‌دید.^۸ در کنار عهدنامه فین‌کن اشتاین یک معاهده تجاری نیز میان ایران و فرانسه منعقد گردید. بر اساس این معاهده حکومت ایران برای کالاهای فرانسوی که توسط تجار و بازرگان این کشور وارد ایران می‌شد عوارض گمرکی ۳٪ تعیین کرد.^۹ بدین ترتیب فرانسه هم متأثر از بحران سیاسی و نظامی ناشی از جنگ‌های ایران و روس در کنار قرارداد سیاسی یک قرارداد تجاری هم به ایران تحمیل کرد.

معاهده فین‌کن اشتاین و عهدنامه تجاری منعقد شده پس از آن اگرچه چند ماه بعد با انعقاد عهدنامه تیلسیت میان فرانسه و روسیه در ژوئیه سال ۱۸۰۷م./۱۲۲۲ق. فاقد اعتبار و ضمانت اجرائی شد؛ اما دو دوره جنگ میان ایران و روسیه که منجر به انعقاد عهدنامه‌های سیاسی و تجاری ترکمانچای شد شرایطی دیگری را رغم زد. این دو عهدنامه مخصوصاً عهدنامه تجاری ترکمانچای تبدیل به گام مهمی در جهت ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم شد.

عهدنامه سیاسی ترکمانچای در فصل دهم خود بر ضرورت انعقاد یک معاهدی تجاری با هدف تجدید روابط اقتصادی میان دو کشور تأکید کرد.^{۱۰} براین اساس در کنار عهدنامه سیاسی ترکمانچای

۷. ایرج امینی، ناپلئون و ایران، ج ۲، ترجمه اردشیر لطفعلیان (تهران: انتشارات فرزاد، ۱۳۸۵)، ص ۱۵۷.

۸. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: ژ.ب. دوما، *یادداشت‌های ژنرال ترمزل در سفر به ایران*، ترجمه عباس اقبال (تهران: انتشارات یساوولی، ۱۳۶۱)، ص ۳۸-۳۰.

۹. کنت دوسرسی، *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰*، ترجمه احسان اشراقی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲)، ص ۲۳.

۱۰. فاطمه قاضیه‌ها، *اسنادی از روند اجرائی معاهدی ترکمانچای ۱۲۵۰-۱۲۴۵ق* (تهران: انتشارات سازمان ملی ایران،

عهدنامه تجاری آن در نه فصل در فوریه سال ۱۸۲۸ م. / شعبان ۱۲۴۳ ق. به امضاء رسید. فصل‌های اول، سوم و پنجم این عهدنامه در سرنوشت اقتصاد ایران حائز اهمیت بسیار بود. در فصل اول مقرر شده بود تا اتباع و تجار روسیه در ایران از حق اتباع دولت کامله‌الوداد اروپا برخوردار شوند.^{۱۱} در ماده سوم هم مقرر شده بود تا اجناسی که میان دو کشور مبادله می‌شود مشمول یک نوع عوارض گمرکی ۵٪ باشند که در مرز دو کشور دریافت می‌شود. در ماده پنجم هم قید شد تا اتباع و بازرگانان روسیه از حق اجاره، خرید، و تملک خانه و انبار در ایران برخوردار شوند.^{۱۲}

پذیرش چنین تعهداتی از جانب ایران که با اعمال فشارهای سیاسی و نظامی صورت گرفته بود، علاوه بر فراهم کردن امکان تسلط اقتصادی و حقوقی روسیه بر ایران، شرایط را برای تسلط اقتصادی و حقوقی سایر قدرت‌های استعماری فراهم کرد. پس از امضاء این عهد نامه بود که سایر قدرت‌های استعمار در صدد برآمدند تا امتیاز مشابهی از ایران کسب کنند. در این خصوص لرد کرزن عنوان می‌کند «عهدنامه ۱۸۲۸ م. ایران و روسیه موسوم به عهدنامه ترکمانچای سرمشقی برای تمام دولت‌های اروپائی شد تا قرارداد مشابهی مبتنی بر شرط کامله‌الوداد با دولت ایران منعقد کنند».^{۱۳}

در این میان انگلستان نخستین کشوری بود که در سال ۱۸۴۱ م. / ۱۲۵۷ ق. امتیازات مشابه روسیه در عهدنامه تجاری ترکمانچای بدست آورد. رویکرد انگلستان به ایران در زمان پادشاهی فتحعلیشاه مخصوصاً تا پایان جنگ‌های ایران و روس اساساً رویکردی سیاسی بر پایه حفظ هندوستان از خطر نفوذ قدرت‌های استعماری رقیب بود. انعقاد دو قرارداد سیاسی مجمل در سال ۱۸۰۹ م. / ۱۲۲۴ ق. و مفصل در سال ۱۸۱۲ م. / ۱۲۲۷ ق. نشان دهند وجود چنین رویکردی در دستگاه دیپلماسی انگلستان بود. بررسی مفاد این دو قرارداد نشان می‌دهد که در هیچ یک از مواد هشت‌گانه عهدنامه مجمل^{۱۴} و مواد دوازده‌گانه عهدنامه مفصل^{۱۵} مباحث اقتصادی طرح نگردیده و مورد توجه انگلستان نبوده است.

۱۱. فاطمه قاضیه، اسنادی از روند اجرائی معاهدی ترکمانچای ۱۲۵۰-۱۲۴۵ ق (تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴)، ص ۲۵۲.

۱۲. همان.

۱۳. جرج. ن. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ج ۲، ترجمه غ. وحید مازندرانی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲)، ص

۶۶۱

۱۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص مواد قرارداد مجمل، نک: سجاد راعی گولجه، قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۲۶۱-۲۵۷.

۱۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص مواد قرارداد مجمل، نک: همان، ص ۲۷۳-۲۶۸

اما انگلستان پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه علاوه بر رویکرد سیاسی، رویکرد اقتصادی نیز نسبت به ایران پیدا کرد. این رویکرد اقتصادی ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم بود که انگلستان بر آن هژمونی داشت. هدف انگلستان از چنین ادغامی پیدا کردن بازار فروش کالاهای ساخته شده صنعتی و تهیه مواد اولیه از ایران بود. از نظر دست‌اندرکاران دستگاه دیپلماسی انگلستان انجام این مهم از طریق کسب امتیازهای مشابهی که روسیه در عهدنامه تجاری ترکمانچای به دست آورد امکان پذیر بود. بر پایه همین رویکرد بود که انگلستان پس از سه سال کشمکش سیاسی و نظامی با ایران بر سر محاصره هرات و پیاده کردن نیروی نظامی در سواحل جنوبی ایران و تصرف جزیره خارک موفق شد با اعمال فشارهای سیاسی و نظامی معاهده بازرگانی اکتبر ۱۸۴۱ م. / رمضان سال ۱۲۵۷ ق. را به ایران تحمیل کند. بر اساس فصل اول این معاهده تجار انگلستان از امتیاز واردات و صادرات هرگونه کالا به ایران بر اساس حقوق گمرکی که به اتباع دولت کامله‌الوداد اعطا شده بود برخوردار گردیدند.^{۱۶} برخورداری از چنین امتیاز شانزده سال بعد باردیگر با اعمال فشارهای سیاسی و نظامی انگلستان بر ایران به خاطر محاصره هرات تجدید شد. پس از محاصره هرات توسط قشون ایران در زمان ناصرالدین شاه انگلستان با اشغال جزیره خارک و خرمشهر ایران را به انعقاد عهدنامه پاریس در مارس ۱۸۵۷ م. / ۱۲۷۳ ق. ناچار کرد. در عهدنامه پاریس ایران ضمن پذیرش استقلال افغانستان، واگذاری حق دولت کامله‌الوداد به اتباع و تجار انگلستان را در فصل نهم عهدنامه تجدید کرد.^{۱۷}

تحت چنین شرایطی در نیمه اول قرن نوزدهم انگلستان و روسیه توانستند با اعمال فشارهای سیاسی و نظامی قراردادهایی بر پایه حق دولت کامله‌الوداد به ایران تحمیل کنند. چنین تحمیلی در نتیجه رقابت‌های استعماری سه قدرت انگلستان، فرانسه و روسیه آغاز گردید. اما در ادامه با سقوط امپراتوری ناپلئون و خارج شدن فرانسه از گردونه این رقابت‌ها با کشمکش و رقابت‌های استعماری روس و انگلستان در ایران عصر قاجار تداوم پیدا کرد. البته ناگفته نماند که خارج شدن فرانسه از گردونه رقابت‌های استعماری در ایران به معنی انصراف این کشور از نفوذ در اقتصاد و بازار ایران نبود. طی قرن نوزدهم فرانسه همواره در تلاش بود تا از فرصت‌های سیاسی ایجاد شده در ایران برای فراهم کردن زمینه‌های نفوذ اقتصادی استفاده کند. مأموریت اقتصادی ژنرال گاردان^{۱۸} در کنار

۱۶. محمدتقی لسان‌الملک سپهر، *ناسخ‌التواریخ*، ج ۲، به کوشش جمشید کیانفر (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷)، ص ۷۸۱-۷۷۹.

۱۷. محمد جعفر خورموجی، *حقایق الاخبار ناصری*، ج ۲، به کوشش حسین خدیوچم (تهران: نشر نی، ۱۳۶۳)، ص ۲۱۷.

۱۸. گاردان از جانب ناپلئون مأموریت داشت تا «موضوع تجارت، محصولات، بازار داد و ستد و اقسام معاملات را مورد تحقیق

قرار دهد و در خصوص عقد معاهده تجاری داخل مذاکره شود.» دوما، ص ۴۲.

ماموریت سیاسی نظامی وی در جریان اختلافات سیاسی میان ایران و انگلستان در جنگ‌های اول ایران و روسیه و مأموریت کنت دوسرسی از جانب وزارت خارجه فرانسه^{۱۹} در سال ۱۸۳۹م. پس از بروز اختلاف سیاسی و نظامی میان ایران و انگلستان بر سر مسأله هرات نشان دهند تلاش فرانسه برای فراهم کردن زمینه‌های نفوذ اقتصادی در ایران است.

تحت چنین شرایطی باید عنوان کرد که سازوکار تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی در نتیجه رقابت قدرتهای استعماری مخصوصاً دو قدرت استعماری روس و انگلیس پیامد بسیار مهمی به همراه داشت. این پیامد مهم باز شدن درهای اقتصاد ایران بر روی جوامع سرمایه‌داری و ادغام ایران در اقتصاد قرن نوزدهم بود. تحقق این امر در دوره قاجار تنها به باز شدن درهای اقتصاد ایران بر روی تمایلات اقتصادی دو کشور روس و انگلیس محدود نماند. بلکه سایر جوامع سرمایه‌داری نیز در نتیجه ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم از این فرصت برخوردار شدند تا در اقتصاد ایران حضور پیدا کنند و برای تحقق خواست خود از حق دولت کامله‌الوداد که اعطای آن توسط حکومت قاجار بعد از نخستین جنگ با انگلستان در سال ۱۸۴۱م. به وادادگی اقتصادی تبدیل شده بود برخوردار گردیدند. فرانسه در سال ۱۸۵۵م. / ۱۲۷۱ق. و ایالات متحده امریکا در سال ۱۸۵۶م. / ۱۲۷۳ق. طی معاهداتی جداگانه از چنین حقی برخوردار شدند و بدین ترتیب فرصت حضور و فعالیت در اقتصاد ایران پیدا کردند. در چنین شرایطی بود که اقتصاد ایران در قرن نوزدهم در اقتصاد جهانی شکل گرفته بر پایه مناسبات تقسیم کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری ادغام شد. نشانه‌های چنین ادغامی در ادامه مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نشانه‌های ادغام در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم

ادغام جوامع ماوراء‌دریایها در اقتصاد بازار جهانی نظام سرمایه‌داری در پی انقلاب صنعتی از اواخر قرن هیجدهم آغاز شد. پیش از این ادغام، شیوه تولید و مناسبات اقتصادی جوامع ماوراء‌دریایها غیر سرمایه‌دارانه یا پیشاسرمایه‌داری بود. مهمترین ویژگی چنین اقتصادهایی معیشتی بودن آن بود.

۱۹. وزیر امور خارجه فرانسه در آستانه سفر کنت دوسرسی به ایران به وی دستور داد: «شما باید وضع اجتماعی ایران، احتیاجات و عادات خانواده‌های متمول، اشیائی را که در آن کشور تجملی محسوب می‌شود مطالعه نمائید تا در صورت امکان از این رهگذر چند بازار تازه برای محصولات جدید کارخانه‌های ما پیدا کنید و ما را راجع به امنیت مبادلات بازرگانی که از آن‌ها نتیجه می‌شود آگاه کنید.» کنت دوسرسی، ص ۲۲.

۲۰. خورموجی، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۲۱. همان، ص ۲۲۲.

در اقتصاد معیشتی هر تولیدکننده می‌کوشد در جریان تولید قبل از هر چیز نیازهای خود را برطرف کند. در این شیوه تولید رابطه جدایی ناپذیری بین تولیدکننده و مصرف‌کننده در نقطه تولید و مصرف وجود دارد. به نحوی که هر دو نقش تولیدکننده و مصرف‌کننده را یک فرد یا اعضای یک خانواده، منطقه و یا جامعه ایفا می‌کند. چنین وضعیتی بر اقتصاد بسیاری از جوامع ماوراء‌دریایا پیش از مواجهه با جوامع سرمایه‌داری صنعتی حاکم بود.

درحالی که تا پیش از انقلاب صنعتی جوامع سرمایه‌داری تجاری در غالب استعمار به دنبال جمع‌آوری کالاها بومی از مناطق ماوراء‌دریایا بودند؛^{۲۲} وقوع انقلاب صنعتی این هدف را تغییر داد و مناسبات اقتصادی جدیدی میان جوامع سرمایه‌داری صنعتی شده با جوامع ماوراء‌دریایا ایجاد کرد. این مناسبات جدید منجر به شکل‌گیری کارویژه‌هایی میان جوامع سرمایه‌داری و مناطق ماوراء‌دریایا شد. این کارویژه‌ها ایجادکننده تقسیم‌کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری شد. بر پایه این تقسیم‌کار جوامع ماوراء‌دریایا می‌بایست به تولیدکنندگان مواد اولیه و مصرف‌کنندگان کالاها ساختار شده صنعتی تبدیل شوند.

در این میان آنچه که جوامع صنعتی را واردار به ایجاد چنین تقسیم‌کاری می‌کرد؛ الزام‌ها و ضرورت‌هایی بود که انقلاب صنعتی بوجود آورد. انقلاب صنعتی به لحاظ اقتصادی دو الزام را بوجود آورد. اول، الزام به صدور کالاها ساختار شده صنعتی به دلیل افزایش میزان تولید این کالاها بود. چنین الزامی از آن جهت بوجود آمد که انقلاب صنعتی علی‌رغم کمک به رشد بازار خارجی موفق به ایجاد بازار داخلی مناسب نشد. بعنوان مثال تلاش صاحبان صنایع انگلستان به جای تمرکز بر بازارهای داخلی بر دستیابی به بازارهای جهانی متمرکز بود. نتیجه این تمرکز رشد چشمگیر صنایع صادراتی در مقابل صنایعی بود که برای بازارهای داخلی تولید می‌کردند. درحالی که طی سال‌های ۱۷۷۰ تا ۱۷۵۰م. صنایع داخلی انگلستان فقط رشدی ۷٪ درصدی داشتند، صنایع صادراتی این کشور افزایشی ۸۰٪ یافتند.^{۲۳} با صنعتی شدن جوامع سرمایه‌داری بخش مهمی از کارویژه‌های جوامع صنعتی و جوامع ماوراء‌دریایا در تقسیم‌کار بازار جهانی مشخص شد. در این تقسیم‌کار جوامع صنعتی کارویژه تولید و صدور کالاها ساختار شده صنعتی و جوامع ماوراء‌دریایا کارویژه واردات این کالاها را برعهده گرفتند. الزام دومی که انقلاب صنعتی ایجاد کرد افزایش نیاز صنایع به مواد

۲۲. تام کمپ و هاری مگداف، *امپریالیسم تاریخ، تئوری، جهان سوم*، ج ۵، ترجمه و اقتباس هوشنگ مقتدری (تهران: کویر،

۱۳۸۲)، ص ۱۵.

۲۳. ای. ک. هانت، *تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی*، ترجمه سهراب بهداد (تهران: آگه، ۱۳۸۱)، ص ۹۷.

اولیه بود. برآوردن این نیاز را جوامع صنعتی به کارویژه اصلی جوامع ماوراء‌دریایها در تقسیم‌کار بازار جهانی تبدیل کردند. بر این اساس جوامع ماوراء‌دریایها می‌بایست مواد اولیه مورد نیاز صنایع را تأمین کنند.

در چنین شرایطی هدف جوامع سرمایه‌داری صنعتی از ادغام جوامع ماوراء‌دریایها در اقتصاد جهانی تحمیل کارویژه تقسیم‌کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری بود. بر پایه چنین هدفی جوامع ماوراء‌دریایها پس از ادغام در اقتصاد جهانی می‌بایست به وارد کنندگان کالاهای ساخته شده صنعتی که عمدتاً کالاهای مصرفی بودند و تولید کنندگان مواد اولیه تبدیل شوند. این مواد اولیه بر اساس محیط جغرافیائی و پتانسیل‌های اقتصادی جوامع ماوراء‌دریایها می‌توانست مواد اولیه کشاورزی، دامی و معدنی باشد. بر این اساس اینگونه می‌توان عنوان کرد که نشان‌های ادغام جوامع ماوراء‌دریایها در اقتصاد جهانی تولید و صدور مواد اولیه و واردات کالاهای ساخته شده صنعتی مخصوصاً کالاهای مصرفی بود.

از این قاعده اقتصاد ایران در قرن نوزدهم مستثنی نبود. بر این اساس ایران در نتیجه ادغام در اقتصاد جهانی می‌بایست نشانه‌های ادغام را از خود بروز می‌داد. یکی از این نشانه‌ها تولید و صدور مواد اولیه بود. مواد اولیه‌ای که ایران با توجه به محیط جغرافیائی و پتانسیل‌های اقتصادی خود می‌توانست به بازارهای جهانی عرضه کند مواد اولیه کشاورزی بود. بر این اساس تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی به یکی از نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم تبدیل شد.

تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی

اقتصاد کشاورزی ایران در ابتدای قرن نوزدهم همانند سایر جوامع ماوراء‌دریایها پیش از ادغام در اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری معیشتی بود. این وضعیت اما در قرن نوزدهم مخصوصاً در نیمه دوم آن دچار تغییر شد و اقتصاد کشاورزی ایران از شیوه تولید معیشتی به شیوه تولید تجاری تغییر کارکرد داد. صحت چنین ادعائی از گزارش‌های موجود منابع تاریخی قابل اثبات است. پیش از پرداختن به گزارش‌های موجود که نشان دهنده معیشتی بودن اقتصاد کشاورزی ایران است توجه به این نکته ضروری است که چه تفاوتی میان کشاورزی معیشتی با کشاورزی تجاری وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش باید عنوان کرد که کشت متنوع و غیر تخصصی محصولات کشاورزی در مقابل کشت تک محصولی و یا تخصصی محصولات کشاورزی یکی از تفاوت‌های مهم کشاورزی معیشتی با کشاورزی تجاری است. بر این اساس در کشاورزی معیشتی محصولات متنوع کشاورزی

به صورت غیر تخصصی کشت می‌شود، اما در کشاورزی تجاری یک محصول یا چند محصول محدود به صورت تخصصی کشت و تولید می‌گردند. اهداف کشت و تولیدی در کشاورزی معیشتی و تجاری مشخص کننده دومین تفاوت میان کشاورزی معیشتی و تجاری است. در کشاورزی معیشتی هدف تولید محصولات مورد نیاز معیشت تولیدکنندگان است. اما در کشاورزی تجاری هدف تولید نه برای رفع نیازهای معیشتی بلکه تولید برای نیازهای بازار، مخصوصاً بازارهای بین‌المللی و صادرات است. بر پایه چنین تفاوت‌هایی می‌توان معیشتی بودن و یا تجاری بودن اقتصاد کشاورزی یک جامعه از جمله ایران قرن نوزدهم را تشخیص داد.

بر اساس گزارش‌های تاریخی موجود از ابتدای قرن نوزدهم چنین می‌توان ادعا کرد که اقتصاد کشاورزی نشانه‌های معیشتی بودن را بروز می‌داد. همانگونه که عنوان گردید یکی از شاخصه‌های کشاورزی معیشتی کشت متنوع و غیر تخصصی محصولات کشاورزی است. گزارش‌های سیاحانی که در آستانه و یا ابتدای این قرن شهرهای ایران را سیاحت کرده‌اند حاکی از وجود چنین شاخصه‌ای در اقتصاد کشاورزی ایران است. اولیویه که در زمان آغامحمدخان و در سال ۱۲۱۰ق. / ۱۷۹۶م. به ایران سفر کرد به هنگام بازدید از اصفهان محصولات کشاورزی این شهر را برنج، گندم، جو، لوبیا، عدس، ذرت، انواع سبزی‌ها، پنبه، تنباکو، روناس، کنجد، کرچک، زعفران و انگور گزارش می‌کند.^{۲۴} وی همچنین محصولات کشاورزی کاشان را برنج، پنبه، کنجد، گندم، جو، انواع میوه، حبوبات، کرچک، انگور، کشمش و قیسی^{۲۵} و محصولات کشاورزی بلوک قم را میوه‌های بسیار خوب، تنباکو، برنج، پنبه و تمامی حبوبات^{۲۶} گزارش می‌دهد. ویلیام هالینگبری در زمان سفر خود به شیراز در سال ۱۸۰۰م. / ۱۲۱۵ق. محصولات کشاورزی این شهر را گندم، جو، برنج، و انگور عنوان می‌کند.^{۲۷} گرانت واتسن هم به هنگام بازدید از یزد محصولات کشاورزی این شهر را گندم، جو، شلیل، انگور، گیلاس، خرما، خربزه، انار^{۲۸} و محصولات کشاورزی تبریز را گندم، ذرت، برنج، تنباکو، پنبه و صمغ^{۲۹} گزارش می‌کند. بارون دوید هم به هنگام بازدید از مرودشت در

۲۴. ا. اولیویه، سفرنامه اولیویه، ترجمه محمدطاهر میرزا، به تصحیح غلامرضا ورهرام (تهران: انتشارات اطلاعات (۱۳۷۱)، ص

۱۲۲.

۲۵. همان، ص ۱۰۹.

۲۶. همان، ص ۱۰۵.

۲۷. ویلیام هالینگبری، روزنامه سفر هیأت سرجان ملکم به دربار ایران، ترجمه امیر هوشنگ امیری (تهران: انتشارات کتابسرا،

۱۳۶۳)، ص ۴۸.

۲۸. واتسن، ص ۱۸۱.

۲۹. همان، ص ۱۶۷.

سال ۱۸۴۰م. / ۱۲۵۶ق. محصولات کشاورزی این شهر را برنج، گندم، جو سیاه و سفید، لوبیا و نخود برمی‌شمارد^{۳۰} بر پایه چنین گزارش‌هایی می‌توان نتیجه گرفت که محصولات کشاورزی ایران برخلاف ویژه‌گی‌های کشاورزی تجاری متنوع و غیر تخصصی است.

حال با توجه به شناخت از کشاورزی ایران تمرکز بر نوع محصولات صادراتی مخصوصاً محصولات کشاورزی نیز برای درک معیشتی یا تجاری بودن اقتصاد کشاورزی ایران ضروری است. اولیویه صادرات عمده ایران را تنباکو، روناس، زرنیخ و میوه‌های خشک شده مانند خرما، کشمش، بادام، پسته، قیسی، ترشی‌ها، مرباها، گلاب شیراز و حصیر عنوان می‌کند.^{۳۱} هالینگبری صادرات عمده ایران از بندر بوشهر به هندوستان را داروهای گیاهی، گلاب و خشکبار گزارش می‌دهد.^{۳۲} اسکات وارینگ هم که در سال ۱۸۰۲م. / ۱۲۱۷ق. به ایران سفر کرد محصولات صادراتی ایران را مقداری ناچیزی گندم، برنج، جو و بادام گزارش می‌کند که از طریق بوشهر به مسقط و سایر بنادر خلیج فارس صادر می‌شود.^{۳۳} بر اساس گزارش پیرامده ژوبر در سال ۱۸۰۷م. / ۱۲۲۲ق. شراب شیراز، خرما، آغوزه، گلاب، حنا، گندم، ابریشم خام، پشم، قالی، خشکبار، فیروزه، گوگرد، و تنباکو کالاهای صادراتی ایران به هند است.^{۳۴} وی همچنین صادرات ایران به روسیه را ابریشم، پنبه، مازو و خشکبار و صادرات ایران به عثمانی را گوسفند، اسب، گاو، شال کرمان، چوب چپق، پوست بره، پشم و برنج گزارش می‌کند.^{۳۵}

بررسی گزارش‌های فوق نشان می‌دهد که محصولات صادراتی ایران اولاً به سرزمین‌های همجوار با ایران مانند عثمانی، روسیه، هند و مناطق جنوبی خلیج فارس است و ثانیاً محصولات صادراتی، محصولات مازاد مصرفی ایالت‌های ایرانی همجوار با کشورها و مناطق فوق است. بر این اساس ایران به دلیل نداشتن مازاد محصول مخصوصاً محصولات کشاورزی با سایر کشورها بر پایه مناسبات جدید تجاری منبعث از بازار جهانی نظام سرمایه‌داری مبادله تجاری ندارد. شاید به همین دلیل نبود مازاد محصول بود که کریم‌خان به خاطر خارج شدن پول از کشور در قرارداد سال

۳۰. کلمنت اوگاستس دوید، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمد حسین آریا (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱)،

ص ۲۸.

۳۱. اولیویه، ص ۱۸۱.

۳۲. هالینگبری، ص ۳۸.

۳۳. کروسینسکی، *ده سفرنامه*، ترجمه مه‌راب امیری (تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۹)، ص ۱۹۹.

۳۴. پیرامده ژوبر، *مسافرت در آرمستان و ایران*، ترجمه علی‌قلی اعتماد مقدم (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷)،

ص ۲۲۱.

۳۵. همان.

۱۷۶۳م. / ۱۱۷۶ق. با کمپانی هند شرقی انگلیس، کمپانی را از خارج کردن پول نقد از ایران منع می‌کند.^{۳۶} صحت بیشتر چنین ادعائی هنگامی مشخص می‌شود که به گزارش کارستن نیبور در سال ۱۷۶۵م. / ۱۱۷۸ق. در خصوص کالاهای صادراتی ایران از بندر بوشهر توجه شود. براساس گزارش وی کالاهای صادراتی ایران عبارت بودند از پارچه‌های ابریشمی یزد و کاشان، ابریشم گیلان، فرش، ریواس ازبک و مواد دارویی.^{۳۷} این گزارش نیبور نشان دهنده نبود محصولات کشاورزی در لیست صادرات و مبادلات ایران در عصر زنده است.

از سوی دیگر پیششهاد اولیویه به حاج ابراهیم کلانتر در خصوص مبادلات تجاری میان ایران و اروپا نیز بیانگر معیشتی و غیر صادراتی بودن محصولات کشاورزی ایران است. «ایران می‌توان بالواسطه با دول اروپا مرآده کرده آنچه از مواد لازم است از آنها بگیرند و در عوض ابریشم گیلان و اخشاب (چوب‌های خوشبو) و عقاقیر (گیاهان دارویی) خراسان، پشم کرمان و مس که در ایران فراوان است بدهند.»^{۳۸} همچنین گزارشی که گاردان از پتانسیل‌های اقتصادی ایران در زمان مأموریتش ارائه می‌دهد نیز اثبات کننده معیشتی و غیر صادراتی بودن محصولات کشاورزی ایران است. پس از انعقاد معاهده فین کن اشتاین ناپلئون طی نامه‌ای در مه ۱۸۰۷م. به ژنرال گاردان دستور می‌دهد که: «سرتیپ گاردان باید تحقیق کند که ایران برای تجارت ما چه موادی فراهم دارد و از مصنوعات ما چه متاع‌هایی در آنجا به فروش می‌رود و در عوض آنها چه اجناسی می‌توان گرفت»^{۳۹} گاردان در راستای انجام چنین مأموریتی در آوریل ۱۸۰۹م. به وزیر امور خارجه گزارش می‌دهد: «ایران در حال حاضر مملکتی است خیلی کم جمعیت و فقیر. بر اثر جنگ‌های داخلی کار نقصان محصول آن به جایی کشیده شده که از اراضی خشک آن نمی‌توان مقدار زیادی محصول جهت صدور به خارج برداشت کرد.»^{۴۰} بر این اساس گزارش فوق نشان می‌دهد که کشاورزی ایران به دلیل فقدان صدور محصولات کشاورزی به بازارهای جهانی فاقد ویژه‌گی‌های تجاری است.

از سوی دیگر اما تولید محصول با هدف مصرف در بازارهای داخلی نیز بیانگر معیشتی بودن کشاورزی ایران در ابتدای قرن نوزدهم است. پنبه که یکی از اقلام مهم کشاورزی صادراتی ایران

۳۶. جان پری، کریم‌خان زند، ترجمه محمدعلی سلوکی (تهران: انتشارات فراز، ۱۳۶۵)، ص ۳۶۵.

۳۷. کارستن نیبور، سفرنامه کارستن نیبور، ترجمه پرویز رحیمی (تهران: انتشارات توکا، ۱۳۵۴)، ص ۳۹.

۳۸. اولیویه، ص ۹۹.

۳۹. آلفرد دو گاردان، خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران، ج ۲، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی

(تهران: انتشارات گزارش، ۱۳۶۲)، ص ۱۱۶.

۴۰. همان، ص ۲۲۱.

در نیمه دوم قرن نوزدهم است و بر اساس گزارش کرزن به روسیه^{۴۱} و بر اساس گزارش دیولافوا به فرانسه و روسیه صادر می‌شود؛^{۴۲} در دهه‌های ابتدای قرن نوزدهم با اهداف معیشتی تولید و در داخل کشور مصرف می‌شد. اولیویه گزارش می‌دهد که «مقدار پنبه‌ای که در ایران به عمل می‌آید در ایران به مصرف می‌رسد و به خارج نمی‌رود. الا اینکه چند سال می‌شود که دولت روس مقدار کمی از گیلان و مازندران به مملکت خود می‌برد.»^{۴۳} بارون دوبد در سال ۱۸۴۰ م. هم از مصرف داخلی پنبه تولید شده در تويسرکان^{۴۴} و شوشتر^{۴۵} خبر می‌دهد. برنج هم که در گزارش‌های حاج سیاح از اقلام صادراتی گیلان به روسیه است؛^{۴۶} بر اساس یادداشت‌های ژنرال ترهزل بدون اشاره به صادرات آن به عنوان تنها غذای سازگار با مزاج اهالی گیلان و تغذیه جایگزین جو برای اسبها در ایران ایالات معرفی می‌شود.^{۴۷}

این وضعیت اما در نیمه دوم قرن نوزدهم تغییرات اساسی به خود دید. گزارش‌های موجود از منابع تاریخی نشان دهنده کشت تخصصی برخی محصولات کشاورزی با هدف صدور به بازارهای جهانی است. در این زمان اگرچه محصولات متعدد کشاورزی چون زعفران، روناس، نیل، علوفه،^{۴۸} آغوزه،^{۴۹} غله، حبوبات،^{۵۰} برنج،^{۵۱} توتون و تنباکو^{۵۲} و خشکبار^{۵۳} از ایران صادر می‌شدند که این امر خود نشان دهنده تجاری شدن اقتصاد کشاورزی ایران است؛ در این میان اما تولید و صدور دو

۴۱. کرزن، ج ۱، ص ۳۶۰.

۴۲. مادام دیو لافوا، سفرنامه دیو لافوا، ج ۲، ترجمه فروشی (تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۱)، ص ۲۸۲.

۴۳. اولیویه، ص ۱۸۶.

۴۴. دوبد، ص ۴۳۹.

۴۵. همان، ص ۳۳۹.

۴۶. حاج سیاح، خاطرات حاج سیاح، ج ۲، به کوشش حمید سیاح (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۲۵۳۶)، ص ۲۱۱.

۴۷. دوما، ص ۵۸. از این گزارش ترهزل، چنین استنباط می‌شود که برنج جزء کالاهای صادراتی ایران نبوده است. در غیر این صورت، مازدا آن به مصرف تغذیه اسبها نمی‌رسید. ترهزل اگرچه برنج را جایگزین جو برای مصرف اسبها معرفی می‌کند، اما باید عنوان کرد که کاه‌های حاصل از کشت برنج به عنوان علوفه می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس چنین می‌توان عنوان کرد در زمان حضور ترهزل در گیلان امکانی برای صدور مازدا تولید و مصرف برنج وجود نداشت و به همین دلیل این محصول مورد استفاده اسبها قرار می‌گرفت.

۴۸. کنت ژولین دو روشوار، خاطرات سفر ایران، ترجمه مهران توکلی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸)، ص ۱۳۴.

۴۹. کرزن، ج ۲، ص ۶۶۵.

۵۰. دیولافوا، ص ۵۱۷.

۵۱. سید محمدعلی جمالزاده، ج ۳، گنج شایگان (تهران: سخن، ۱۳۸۴)، ص ۲۲.

۵۲. همان ص ۳۵-۳۴.

۵۳. حاج سیاح، ص ۲۵۹.

محصول تریاک و پنبه بیش از همه بیانگر تجاری شدن اقتصاد کشاورزی ایران و نشانه دهنده ادغام ایران در اقتصاد جهانی است.

در میان اقلام کشاورزی صادراتی ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم کشت و صدور تریاک بیش از هر کالای کشاورزی نشان دهنده تجاری شدن اقتصاد کشاورزی ایران از یک سو و ادغام ایران در بازار جهانی از سوی دیگر است. گزارش‌های سیاحان در ابتدای قرن نشان می‌دهد که کشت تریاک در اولویت تولیدات کشاورزی ایران نبود. در گزارش‌های سیاحان از محصولات کشاورزی اصفهان،^{۵۴} در گزارش‌های هالینگبری از تولیدات کشاورزی شیراز،^{۵۵} در گزارش‌های واتسن از تولیدات یزد^{۵۶} سخنی از کشت تریاک در این شهرها به میان نیامده است. این در حالی است که کرزن در سال ۱۸۸۹ م./ ۱۳۰۶ ق.^{۵۷} تحویلدار در سال ۱۸۵۶ م./ ۱۲۷۲ ق.^{۵۸} و کنت ژولین دوروششوار در سال ۱۸۶۲ م./ ۱۲۷۸ ق.^{۵۹} از کشت و صدور تریاک در اصفهان، حاج سیاح^{۶۰} و کرزن^{۶۱} از کشت و صدور تریاک در یزد و کرزن^{۶۲} از کشت و صدور تریاک در شیراز سخن به میان می‌آورند. همچنین ژان اوبن در سال‌های ۱۹۰۷-۱۹۰۶ م./ ۱۳۲۷-۱۳۲۶ ق. از صادرات تریاک کشت شده در همدان، نهاوند و بروجرد از کرمانشاه سخن به میان می‌آورد.^{۶۳} مقصد تریاک‌های صادره از کرمانشاه اگرچه به بغداد بود،^{۶۴} اما صادرات عمده تریاک ایران به چین بود.^{۶۵} پس از جنگ اول تریاک صادرات تریاک انگلستان به چین رشد چشم‌گیری پیدا کرد. حتی مقصد نهایی تریاک‌هایی که از ایران به هند^{۶۶} و

۵۴. اولیویه، ص ۱۲۲.

۵۵. هالینگبری، ص ۴۸.

۵۶. گرانت واتسن، ص ۱۸۱.

۵۷. کرزن، ج ۲، ص ۵۳-۵۲.

۵۸. میرزا حسین خان تحویلدار، *جغرافیای اصفهان*، به کوشش منوچهر ستوده (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲)،

ص ۵۵-۵۴.

۵۹. دوروششوار، ص ۲۶.

۶۰. حاج سیاح، ص ۱۷۹.

۶۱. کرزن، ج ۱، ص ۲۹۵.

۶۲. همان، ج ۲، ص ۱۲۳.

۶۳. ژان اوبن، *سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران ۱۹۰۷-۱۹۰۶*، ترجمه علی اصغر سعیدی (تهران: کتابفروشی زوار،

۱۳۶۲)، ص ۳۰۸.

۶۴. همان.

۶۵. ساموئل گرین ویلر بنجامین، *ایران و ایرانیان: خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین*، به اهتمام رحیم رزازاده ملک

(تهران: انتشارات گلبنگ، ۱۳۶۳)، ص ۴۷۲؛ همچنین حاج سیاح، ص ۱۷۹.

۶۶. کرزن، ج ۲، ص ۱۲۳.

انگلستان^{۶۷} صادر می‌شدند چین بود. به واسطه اهمیت صادرات تریاک در اقتصاد انگلستان در این زمان بود که برخی از کارخانه‌های انگلستان گماشتگانی را مأمور تهیه و ارسال تریاک‌های خالص از ایران به انگلستان کردند.^{۶۸}

تحت چنین شرایطی بود که کشت تجاری تریاک در ایران رونق گرفت و زمین‌های وسیعی از کشور که پیش‌تر زیر کشت غله می‌رفت به کشت تریاک اختصاص داده شد.^{۶۹} این در حالی بود که حکومت قاجار تا پیش از رونق کشت تجاری تریاک به دلیل ترس از بروز قحطی و شورش به خاطر کاهش تولید غله از کشت محصولات دیگر در زمین‌هایی که به کشت غله اختصاص داشت ممانعت می‌کرد.^{۷۰} با این وجود اما حکومت قاجار به دلیل منافع مالی و درآمدی که از کشت تجاری تریاک حاصل می‌شد نه تنها ممانعتی در کشت تریاک ایجاد نکرد، بلکه تجارت آن را نیز تا حدودی تحت نظارت خود قرارداد. چنین نظارتی معطوف به مراقبت از مرغوبت جنس تریاک‌های صادراتی بود. پس از رونق صادرات تریاک برخی از تجار این کالا به تغلب در مرغوبیت جنس این کالا مبادرت نموده خاک اره، قند سوخته^{۷۱} و کنجد^{۷۲} به آن اضافه می‌کردند. تحت چنین شرایطی بنا بر آنچه که روزنامه چهره‌نما گزارش می‌کند صندوق‌های تریاک ایران در هنگ‌کنگ بدون خریدار باقی ماندند و یا با ضرر به فروش رفتند.^{۷۳} متأثر از این وضعیت حکومت دستور داد تا پس از بررسی و امتحان مرغوبیت تریاک‌های صادراتی، اجناس تغلیبی را توقیف کنند.^{۷۴} در سایه چنین اقدام‌هایی بود که صادرات تریاک در نیمه دوم قرن نوزده افزایش یافت. بر اساس گزارش ویلز صادرات تریاک از ۶۹۶/۰۰۰ روپیه در سال ۱۸۷۱ م. به ۰۴۷/۰۰۰ روپیه در سال ۱۸۸۱ م. افزایش یافت.^{۷۵} اورسل هم گزارش می‌کند که صادرات تریاک ایران از ۱/۵۲۲/۰۰۰ فرانک در سال ۱۸۷۲-۱۸۷۱ م. به ۲۱/۱۷۵/۰۰۰ در سال ۱۸۸۱-۱۸۸۰ م. ۱۲۹۸-۱۲۹۷ ق. افزایش یافت.^{۷۶} در نتیجه چنین افزایشی

۶۷. کرزن، ج ۲، ص ۵۲.

۶۸. چارلز جیمز ویلس، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ج ۲، ترجمه سید عبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام (تهران: نشر طلوع، ۱۳۶۶)، ص ۳۲۳.

۶۹. ارنست اورسل، سفرنامه اورسل، ترجمه علی‌اصغر سعیدی (تهران: انتشارات زوار، ۱۳۵۳)، ص ۲۳۷.

۷۰. برای مطالعه بیشتر، نک: کرزن، ج ۲، ص ۵۹۵؛ بنجامین، ص ۴۷۰.

۷۱. روزنامه چهره‌نما، سال اول، شماره ۱۲ (۱۵ شعبان سال ۱۳۲۲)، ص ۱۱.

۷۲. روزنامه چهره‌نما، سال دوم، شماره ۲۲ (غره ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۳)، ص ۸.

۷۳. روزنامه چهره‌نما، سال اول، شماره ۱۲ (۱۵ شعبان سال ۱۳۲۲)، ص ۱۱.

۷۴. روزنامه چهره‌نما، سال دوم، شماره ۲۲ (غره ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۳)، ص ۸.

۷۵. ویلس، ص ۳۲۵.

۷۶. اورسل، ص ۲۳۷.

تریاک با رقمی معادل ۱/۹۰۰/۰۰۰ تومان به بزرگترین رقم کالاهای صادراتی ایران در سال ۱۸۸۹م./۱۳۰۶ق. تبدیل می‌شود.^{۷۷}

علاوه بر تریاک پنبه هم از دیگر اقلام صادراتی ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم بود که صادرات این محصول نیز خود نماد تجاری شدن کشاورزی ایران از یک سو و ادغام ایران در اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری از سوی دیگر بود. در آستانه قرن نوزدهم اگر چه اولیویه از انتقال مقدار کمی از محصولات پنبه گیلان و مازندران به روسیه^{۷۸} و ژوبر در ابتدای قرن از صادرات پنبه ایران به همین کشور سخن به میان می‌ورند،^{۷۹} اما از سوی دیگر هالینگبری^{۸۰} و بارون دوید^{۸۱} از واردات پنبه به ایران گزارش‌هایی ارائه می‌کنند. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که بجر مقدار کم مازاد مصرف پنبه نواحی شمال کشور که به روسیه صادر می‌شد پنبه سایر نقاط کشور در داخل مصرف می‌شد. این وضعیت اما در نیمه دوم قرن نوزدهم تغییر کرد. و صادرات پنبه به صورت یکی از اقلام اساسی کالاهای صادراتی ایران درآمد.

کشت تجاری پنبه در نیمه دوم قرن نوزدهم به اندازه‌ای رونق گرفت که برخی از شهرها و ایالت‌های ایران به صورت مستقل درگیر کشت و صدور پنبه شدند. کنت ژولین دو روششوار^{۸۲} در سال ۱۸۶۲م./۱۲۷۸ق. تحویلدار^{۸۳} در سال ۱۲۷۲ق. دیولافوا^{۸۴} در سال ۱۸۸۱م./۱۲۹۸ق. از کشت و صدور پنبه از اصفهان، کرزن در سال ۱۸۸۹م. از کشت و صدور پنبه در یزد^{۸۵} و شیراز^{۸۶} و اوین در سال ۱۹۰۶م./۱۳۲۵ق. از کشت صدور پنبه در زنجان^{۸۷} سخن به میان می‌آورند.

رونق گرفتن کشت تجاری پنبه در مناطق مختلف ایران همانند تریاک محصول تحولات جهانی بود. در رواج کشت تجاری تریاک جنگ اول تریاک موثر بود و در رواج کشت تجاری پنبه

۷۷. کرزن، ج ۲، ص ۶۶۵

۷۸. اولیویه، ص ۱۸۶

۷۹. ژوبر، ص ۲۲۱

۸۰. هالینگبری، ص ۳۸

۸۱. دوید، ص ۳۳۹

۸۲. دور روششوار، ص ۲۶

۸۳. تحویلدار، ص ۵۶

۸۴. دیولافوا، ص ۲۸۲

۸۵. کرزن، ج ۲، ص ۲۹۵. این در حالی است که در گزارشی گرانت واتسن از محصولات کشاورزی یزد ارائه می‌دهد، از پنبه

نامی برده نمی‌شود. نک: واتسن، ص ۱۸۱.

۸۶. همان، ج ۲، ص ۵۳

۸۷. اوین، ص ۳۹

جنگ‌های داخلی یا انفصال ایالات متحده آمریکا طی سال‌های

۱۸۶۴-۱۸۶۰م. جنگ‌های داخلی آمریکا موجب توقف کشت و صدر پنبه از ایالات‌های جنوبی این کشور به انگلستان شد. در چنین شرایطی انگلستان برای برطرف کردن نیازهای صنایع نساجی خود درصدد تهیه پنبه از مناطق دیگری که مستعد کشت پنبه بود برآمد. بدین ترتیب ایران به عنوان یکی از مناطق کشت پنبه مورد توجه انگلستان قرار گرفت و کشت تجاری پنبه بنا بر آنچه که کرزن،^{۸۸} دالمانی^{۸۹} و جمالزاده^{۹۰} به آن اشاره می‌کنند در نتیجه جنگ‌های انفصال در ایران رونق می‌گیرد. متأثر از همین مسأله صادرات پنبه ایران از خلیج فارس به بمبئی از رقم صفر در سال ۱۸۴۵-۱۸۴۴م. به ۱۹/۲۰۰ روپیه در سال ۱۸۶۱-۱۸۶۰م.، ۱/۶۱۴/۰۶۰ روپیه در سال ۱۸۶۴-۱۸۶۳م. و ۶/۷۹۳/۸۴۵ روپیه در سال ۱۸۶۵-۱۸۶۴م. رسید.^{۹۱}

صادرات پنبه به انگلستان اگرچه با پایان جنگ‌های انفصال و رونق کشت و صادرات پنبه از ایالات متحده به بازارهای جهانی کاهش یافت؛ اما افزایش تقاضای پنبه از روسیه موجب استمرار کشت تجاری آن در ایران شد. این امر تحقق پیش‌بینی اولیویه در خصوص رشد تمدن در روسیه و تأثیر آن در افزایش صادرات پنبه از ایران به این کشور بود.^{۹۲} رشد صنایع نساجی روسیه افزایش نیاز این کشور به پنبه را در نیمه دوم قرن نوزدهم به همراه آورد. در چنین شرایطی بود که روسیه به منظور تأمین نیازهای خود از ایران علاوه بر فراهم کردن تسهیلات گمرکی^{۹۳} و افزایش ۱۰٪ قیمت خرید،^{۹۴} اقدام به توزیع بذر پنبه در میان کشاورزان منطقه آذربایجان کرد.^{۹۵} علاوه بر این شعبه‌های تجارت‌خانه‌های روسی و همچنین تجار ارمنی ایران که با روسیه ارتباط تجاری نزدیک داشتند نیز در زمینه تهیه و صدور پنبه از ایران به روسیه به فعالیت مشغول بودند.^{۹۶} در چنین شرایطی بود که

۸۸. کرزن، ج ۲، ص ۵۹۲.

۸۹. دالمانی، ص ۹۱.

۹۰. جمالزاده، ص ۱۶.

۹۱. چلز عیسوی، *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار* (۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه-ق) ترجمه یعقوب آژند (تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹)، ص

۳۷۷.

۹۲. برای مطالعه بیشتر، نک: اولیویه، ص ۱۸۶.

۹۳. برای مطالعه بیشتر، نک: قباد منصوربخت، «کشاورزی تجار در دوره قاجار»، *فصلنامه تاریخ ایران*، شماره ۳ پیاپی ۶۱/۵

تایستان (۱۳۸۸)، ص ۱۳۴.

۹۴. کرزن، ج ۲، ص ۲۸۸.

۹۵. همان، ج ۱، ص ۶۷۲.

۹۶. هانری رنه دالمانی، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره‌وشی (تهران: کتابفروشی ابن سینا و موسسه مطبوعاتی

امیرکبیر، ۱۳۳۵)، ص ۱۰۶.

روسیه در پایان قرن نوزدهم به خریدار نود چهار تا نود هفت درصد پنبه ایران تبدیل شد.^{۹۷} اما همان گونه که اشاره شد در کنار تریاک و پنبه کشت سایر محصولات کشاورزی ایران مانند توتون، تنباکو، برنج و خشکبار نیز در نیمه دوم قرن نوزدهم جنبه تجاری پیدا کرد. در این میان اما آنچه که بیش از همه اهمیت دارد چرایی تجاری شدن کشاورزی ایران و یا تغییر شیوه تولید کشاورزی ایران از کشت معیشتی به کشت تجاری است؟ برای یافتن پاسخ این پرسش باید به وضعیتی که جوامع ماوراءدریایها در نتیجه ادغام در اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری به آن دچار می‌شود توجه کرد.

جوامع ماوراءدریایها پس از ادغام در اقتصاد جهانی دچار وضعیتی شدند که از آن تحت عنوان باز تولید وابسته به بازار جهانی نام برده می‌شود. دچار شدن به وضعیت بازتولید وابسته به بازار جهانی موجب می‌شود که در اقتصاد هر جامعه عوامل عمده تولید و تصمیم‌گیری در خصوص نوع و شیوه تولید آن جامعه به طور عمده از طریق بازار جهانی نظام سرمایه‌داری مشخص شود.^{۹۸} در نتیجه دچار شدن به این وضعیت، تولید اقتصادی در جوامع ماوراءدریایها نه بر اساس نیازهای بازار داخلی، بلکه براساس نیازهای بازار جهانی صورت می‌گیرد. در این میان آنچه که در نخستین گام نماد و نشانه دچار شدن به وضعیت باز تولید وابسته به بازار جهانی می‌شود، تبدیل شدن جوامع توسعه‌نیافته به تولید کنندگان مواد اولیه در چهارچوب تقسیم‌کار بازار جهانی نظام سرمایه‌داری است. این مواد بطور کلی قابل تقسیم بندی به مواد اولیه کشاورزی، دامی و معدنی هستند که جوامع توسعه‌نیافته هر یک بر اساس ساختارهای جغرافیائی و پتانسیل‌های اقتصادی خود به تولید کننده نوع خاصی از مواد اولیه تبدیل می‌شوند.

این وضعیت اما در خصوص ایران عصر قاجار با توجه به ساختارهای طبیعی، جغرافیائی و پتانسیل‌های اقتصادی‌اش منجر به آن شد که ایران تبدیل به تولید کننده مواد اولیه کشاورزی شود. در نتیجه چنین شرایطی است که کشت تجاری برخی محصولات کشاورزی در ایران از جمله تریاک، پنبه، تنباکو و برنج به عنوان بخشی از کاروباره ایران در تقسیم‌کار باز جهانی به یکی از نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی در قرن نوزدهم تبدیل می‌شود. شروع کشت تجاری تریاک در نتیجه جنگ اول تریاک و همچنین رواج کشت تجاری پنبه در ایران به دلیل بروز جنگ‌های

۹۷. مروین ل. انتنر، روابط بازرگانی روس و ایران ۱۹۱۴-۱۹۲۸، ترجمه احمد توکلی (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار،

۱۳۶۹)، ص ۱۱۹.

۹۸. تیلمان اورس، ماهیت دولت در جهان سوم، ترجمه بهروز توانمند (تهران: موسسه آگه، ۱۳۶۲)، ص ۳۰.

انفصال و رشد نیاز صنایع نساجی روسیه خود نمونه بارزی از دچار شدن اقتصاد ایران به وضعیت باز تولید وابسته به بازار جهانی است. در چنین شرایطی است که بخش کشاورزی ایران با خارج شدن از شیوه تولید معیشتی اهمیت‌ها و اولویت‌های تولیدی خود را بر نه بر اساس نیازهای داخلی بلکه بر اساس نیازهای بازار جهانی تعیین می‌کند. بی‌توجهی به کشت چای در حالی که چای یکی از اقلام عمده وارداتی ایران در این دوره است خود اثبات‌کننده چنین ادعائی است.^{۹۹} متأثر از تجاری شدن کشاورزی بود که روزنامه اختر پس از جنگ ژاپن و چین در سال ۱۸۷۰م که منجر به باز شدند بنادر چین بروی اقتصاد و محصولات سایر کشورها شد، در یکی از شماره‌های خود به درج ترجمه‌ای از مقاله روزنامه آهنگ چاپ از میر ترکیه پرداخت که در آن این اتفاق را فرصتی برای صدر کالاهای ساخته شده اروپائی به چین و صادرات مواد اولیه از جانب کشورهای تولیدکننده مواد اولیه به اروپا قلمداد کرد.^{۱۰۰}

کشت تجاری محصولات کشاورزی با هدف تولید و صدور مواد اولیه اگرچه یکی از نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم است؛ اما ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم نشانه مهم‌تری دارد که این نشانه واردات کالاهای ساخته شده مصرفی به ایران است. در این میانه آنچه که موجب می‌شود که واردات کالاهای مصرفی به عنوان نشانه مهمتر از نشانه‌های دوگانه ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم تلقی شود کسری موازنه تجاری ایران مخصوصاً در نیمه دوم قرن نوزدهم است.

بررسی کسری موازنه تجار در دوره قاجار هرچند به دلیل وجود مشکلاتی چون نامشخص بودن وضعیت آمار،^{۱۰۱} نامشخص بودن اوزان،^{۱۰۲} یکسان نبودن ساختار گمرک^{۱۰۳} و نامنظم بودن اسناد دیوانسالاری ایران^{۱۰۴} با موانع جدی روبرو است؛ اما گزارش‌های پراکنده موجود در سفرنامه‌ها و

۹۹. این مسأله در روزنامه ناصری مورد انتقاد قرار گرفت و بر ضرورت کشت آن با توجه به واردات چای تأکید شد. نک: روزنامه ناصری، سال دوم، شماره ۲۹ (شنبه ۱۱ رجب سال ۱۳۱۴)، ص ۳-۱.

۱۰۰. روزنامه اختر، سال بیست و دوم، شماره ۳ (سه‌شنبه ۱۶ محرم سال ۱۳۱۳)، ص ۴۶-۴۳.

۱۰۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص نامشخص بودن وضعیت آمار در دوره قاجار نک: روزنامه پرورش، سال اول، شماره ۶ (دوشنبه نوزدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۸)، ص ۱۶.

۱۰۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص نامشخص بودن واحد اوزان در دوره قاجار، نک: روزنامه چهره‌نما، سال دوم، شماره ۱، نمره ۲۵ (۱۰ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۳)، ص ۷-۶.

۱۰۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص یکسان نبودن ساختار نظام گمرکی ایران نک: روزنامه چهره‌نما، سال دوم، شماره ۲۴ (غرة جمادی‌الاول سال ۱۳۲۳)، ص ۱۵. همچنین اورسل، ص ۲۳۸. همچنین: کرزن، ج ۲، ص ۵۶۷.

۱۰۴. برای مطالعه بیشتر در خصوص نامنظم بودن اسناد دیوانسالاری ایران در دوره قاجار نک: دالمانی، ص ۲۹-۲۸.

روزنامه‌های این دوره می‌تواند نشان دهنده کسری موازنه تجاری باشد. کنت دوسرسی که در سال ۱۸۳۹م. به ایران سفر کرد میزان کالاهای صادراتی از تبریز را ۱۲ میلیون فرانک و کالاهای وارداتی از اروپا به تبریز را ۲۸ تا ۲۹ میلیون فرانک برآورد می‌کند.^{۱۰۵} فورو کاوا که در سال ۱۸۸۰م. ۱۲۹۷/ق. به ایران سفر کرد کل ارزش صادرات ایران را ۴/۰۰۰/۰۰۰ پوند برآورد می‌کند که از این میزان ۲/۵۰۰/۰۰۰ پوند سهم واردات و ۱/۵۰۰/۰۰۰ پوند سهم صادرات بود.^{۱۰۶} کرزن در سال ۱۸۸۹م. مجموعه صادرات ایران را ۷/۴۴۲/۰۰۰ تومان و مجموعه واردات ایران را ۱۳/۶۹۶/۰۰۰ تومان عنوان می‌کند.^{۱۰۷} هانری رنه دالمانی صادرات ایران در سال مالی ۱۹۰۷-۱۹۰۶م. را معادل ۱۶۳/۹۹۷/۰۰۰ فرانک و واردات ایران را در این سال معادل ۲۰۰/۱۵۳/۰۰۰ فرانک عنوان می‌کند.^{۱۰۸} روزنامه حکمت بر اساس گزارش سفارت بلژیک در تهران مجموعه صادرات و واردات ایران در سال مالی ۱۹۱۰-۱۹۰۹م. ۱۳۲۸-۱۳۲۷ق. را ۸۱۳/۹۵۴/۷۰۵ قران اعلام می‌کند که از این میزان ۴۴۲/۴۲۸/۵۱۶ قران مربوط به واردات ایران و ۳۷۱/۵۲۶/۱۸۹ قران مربوط به صادرات ایران بود.^{۱۰۹}

چنین کسری موازنه بیانگر افزایش میزان واردات بر میزان صادرات ایران است. کالاهای وارداتی ایران در این زمان کالاهای ساخته شده مصرفی بودند که جوامع سرمایه‌داری صادر کننده آن بودند و کالاهای صادراتی از ایران مواد اولیه بود که جوامع صنعتی وارد کننده آن بودند. اختلاف موازنه صادرات و واردات نشان دهنده اهمیت بیشتر صادرات کالاهای ساخته شد مصرفی بر تهیه مواد اولیه از بازارهای ایران در نزد جوامع سرمایه‌داری است. بر این اساس اینگونه می‌توان عنوان کرد که در قرن نوزدهم جوامع سرمایه‌داری از ادغام ایران در اقتصاد جهانی بیشتر هدف صادرات کالا را دنبال می‌کردند تا تهیه مواد اولیه.

واردات کالاهای ساخته شده مصرفی

بررسی تاریخ اقتصادی ایران در آستانه قرن نوزدهم نشان می‌دهد که واردات کالاهای ساخته شده مصرفی به عنوان یکی از نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی محقق نشده بود. در محقق نشدن

۱۰۵. دوسرسی، ص ۱۰۵.

۱۰۶. نوبویوشی فورو کاوا، سفرنامه فورو کاوا، ترجمه هاشم رجبزاده و کینیچی ئەاورا (تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر

فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۱۳۳.

۱۰۷. کرزن، ج ۲، ص ۶۶۶.

۱۰۸. دالمانی، ص ۱۰۲.

۱۰۹. روزنامه حکمت، سال نوزدهم شماره ۹ (پنج شنبه ۱۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۹)، ص ۱۲.

این امر آنچه که بیش از همه نقش داشت هرج و مرج‌های سیاسی بود که طی قرن هجدهم پس از سقوط صفویان بر ایران حاکم شد. صحت چنین ادعائی از یادداشت‌های ژنرال ترهزل که در زمان فتحعلیشاه به همراه ژنرال گاردان به ایران سفر کرده بود قابل اثبات است. «انقلاباتی که در مدت یک قرن در ایران پیش آمد سبب شد که تا تاریخ ۱۷۶۰م. بین اروپا و این مملکت مراودات سیاسی قطع گردد. در این تاریخ اخیر فقط روس‌ها، انگلیسی‌ها، پرتغالی‌ها و هلندی‌ها به ایران آمدند و برای خود به تأسیس چند دارالتجاره پرداختند. ولی انقلاباتی که بعد حاصل شد ایشان را از ایران برانداخت و باز احوال یک قرن بعد تجدید گردید.»^{۱۱۰}

علاوه بر ترهزل گزارش اولیویه هم نشان می‌دهد که هرج و مرج‌های سیاسی قرن هیجدهم عاملی موثر در ناکامی فعالیت کمپانی‌های تجاری اروپائی در ایران بود. بعنوان نمونه وی در سفرنامه خود گزارش می‌دهد: «شرکتی انگلیسی - روسی که با هدف فروش ماهوت و محصولات کارخانه‌ای در سال ۱۷۳۹م. در گیلان آغاز به کار کرده بود تنها هشت سال پس از شروع فعالیت خود به دلیل بروز آشوب‌های سیاسی پس از مرگ نادر در سال ۱۷۴۷م. تعطیل شد و شرکت و کارکنان آن مجبور به ترک ایران شدند.»^{۱۱۱} کرزن هم گزارشی از سفر تجاری هانوای به ایران در سال ۱۷۴۳م. ارائه می‌دهد که تحت تأثیر هرج و مرج‌های سیاسی پس از مرگ نادر ناکام ماند. «هانوای در سال ۱۷۳۴م. تا استرآباد هم پیش رفت و قصد داشت اجناسی را که همراه آورده بود با کاروان از آنجا به مشهد حمل کند اما نتوانست جلوتر برود، زیرا که در حین اقامت او در آنجا شورش برضد نادرشاه اتفاق افتاد، کالاهای او را غصب و غارت کردند و چیزی نمانده بود که خود او را به ترکمن‌ها بفروشند.»^{۱۱۲}

بر پایه این گزارش‌ها چنین می‌توان عنوان کرد که بی‌ثباتی‌های سیاسی ایران در قرن هجدهم یکی از عوامل مهم در اقبال نکردن کمپانی‌های تجاری جوامع سرمایه‌داری در برقرار روابط اقتصادی با ایران بود که این روابط اقتصادی می‌توانست به رواج صادرات کالاهای ساخته شده منجر گردد. در این میان نکته حائز اهمیت ناتوانی جوامع سرمایه‌داری در تثبیت موقعیت سیاسی و اقتصادی‌شان در ایران بود. در حالی که قرن‌ها پیش جوامع سرمایه‌داری بر پایه پدیده استعمار توانستند هژمونی سیاسی و اقتصادی خود را بر مناطق ماوراء‌دریاها تحمیل کنند؛ این وضعیت اما

۱۱۰. دوما، ص ۳۱.

۱۱۱. اولیویه، ص ۱۷۴.

۱۱۲. کرزن، ج ۱، ص ۲۸۱.

در مورد ایران تا پایان قرن هیجدهم متفاوت بود و جوامع سرمایه‌داری تا پایان این قرن نتوانستند شرایط را به منظور تأمین منافع خود تغییر دهند و در ایران استقرار پیدا کنند. ناکامی تلاش‌های کمپانی هندشرقی انگلستان علی‌رغم اعزام نماینده به دربار کریم‌خان برای برقراری روابط تجاری و استقرار در جنوب ایران طی سال‌های ۱۷۶۹ تا ۱۷۶۷ م. / ۱۱۸۳ تا ۱۱۸۱ ق. در نتیجه مخالفت‌های کریم‌خان با فعالیت آنان و انتقال نمایندگی این کمپانی در خلیج فارس از بوشهر به بصره^{۱۱۳} و ناکامی هلندی‌ها جهت استقرار در جزیره خارک در نتیجه راهزنی‌های دریائی میرمهنا^{۱۱۴} نمونه‌های از ناتوانائی جوامع سرمایه‌داری در ایجاد شرایط مطلوب برای استقرار در ایران بود. بر این اساس ایران تا پایان قرن هیجدهم به دلیل ناتوانی جوامع سرمایه‌داری در تحمیل هژمونی سیاسی و اقتصادی در اقتصاد جهانی ادغام نشده بود و نشانه‌هایی هم از وجود چنین ادغامی را بروز نداد.

این شرایط اما در آغاز قرن نوزدهم متفاوت بود و جوامع سرمایه‌داری در صدد ادغام ایران در بازار جهانی و تحمیل کارویژه تقسیم کار بازار جهانی بر ایران برآمدند. سازو کار چنین ادغامی همان گونه که پیشتر عنوان شد تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی بر اساس حق اتباع دولت کامله‌الوداد بود. این سیاست طی چهارده دهه اول قرن نوزدهم توسط قدرت‌های اروپائی مخصوصاً روسیه، انگلستان و فرانسه دنبال شد. بررسی تاریخ اقتصادی ایران در چهارده دهه اول قرن نوزدهم نشان می‌دهد تا تکمیل کامل پروژه ادغام ایران در اقتصاد جهانی هنوز واردات کالاهای ساخته شده مصرفی به عنوان یکی از نشانه‌های دوگانه ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم بروز و ظهور پیدا نکرده است. چنین ادعائی را می‌توان از مقایسه گزارش‌هایی که سیاحان اروپائی که از بازارهای ایران در دوران قاجار ارائه کردند اثبات کرد. در گزارش‌های سیاحانی که در چهارده دهه اول قرن نوزدهم به ایران سفر کردند اثری از وجود کالاهای ساخته شده صنعتی اروپائی در بازارهای ایران نیست و اگر هم چنین گزارش‌هایی وجود داشته باشد بسیار محدود است.

بعنوان مثال هالینگبری در سفر سال ۱۸۰۰ م. خود ضمن ارائه گزارشی مفصل از بازار شیراز؛ هیچ گزارش از وجود کالاهای مصرفی خارجی در بازار شیراز ارائه نمی‌کند.^{۱۱۵} این درحالی است که اورسل سیاح بلژیکی در سال ۱۸۸۲ م. / ۱۲۹۹ ق. از وجود کالاهای روسی و انگلیسی در بازار شیراز^{۱۱۶}

۱۱۳. گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوره افشاریه و زندیه، ترجمه معصومه ارباب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۱)، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۱۱۴. همان، ص ۱۲۷-۱۲۶.

۱۱۵. هالینگبری، ص ۴۵.

۱۱۶. اورسل، ص ۲۳۴.

و ادوارد برون در سال ۱۸۸۷ م./ ۱۳۰۵ ق. از وفور کالاهای انگلیسی در این شهر^{۱۱۷} خبر می‌دهد. همچنین برون فیو دور کورف به هنگام بازدید از بازار تهران در سال ۱۸۳۵ م./ ۱۲۵۱ ق. گزارشی از وجود کالاهای اروپائی در بازار تهران ارائه نمی‌دهد.^{۱۱۸} ادوار براون اما در خصوص بازار تهران گزارش می‌دهد که: «اکثر کالاهای اروپائی تهران از روسیه وارد می‌شود»^{۱۱۹} علاوه بر این موریس دوکوتزبوئه که در سال ۱۸۱۷ م./ ۱۲۳۳ ق. به همراه سفیر کبیر روسیه به ایران سفر کرده بود در بازدید خود از بازارهای تبریز^{۱۲۰} و زنجان^{۱۲۱} گزارشی از وجود کالاهای ساخته شده مصرفی اروپائی در این دو بازار ارائه نمی‌کند. این در حالی است که در سال ۱۸۸۹ م. از وفور انواع کالاهای ساخته شده مصرفی اروپائی در بازار تبریز^{۱۲۲} و ژان اوین سفیر فرانسه در ایران طی سال‌های ۱۹۰۶-۱۹۰۷ م. از وفور وجود کالاهای ساخته شده مصرفی انگلیسی و روسی در بازار زنجان گزارش می‌دهد.^{۱۲۳} با توجه به چنین گزارش‌هایی اینگونه می‌توان ادعا کرد که بازارهای ایران عاری از وجود کالاهای ساخته شده مصرفی اروپائی در چهار دهه اول قرن نوزدهم بود. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که کالاهای مورد نیاز مصرفی جامعه ایرانی طی این مدت در کشور تولید می‌شد. گزارش‌های تاریخی موجود از دوره زمانی مورد بحث صحت چنین ادعائی را اثبات می‌کند.

طی نیمه دوم قرن نوزدهم پارچه یکی از اقلام عمده وارداتی ایران بود^{۱۲۴} این در حالی است که بر اساس گزارش سیاحان اروپائی در ابتدای قرن نوزدهم البسه ایرانیان از پارچه‌های وارداتی نبود. اولیویه که در زمان آغا محمدخان به ایران سفر کرده بود در سفرنامه خود طی گزارشی مفصل از لباس زنان و مردان ایرانی اشاره‌ای به وارداتی بودن پارچه‌های این لباس‌ها ندارد^{۱۲۵} گاسپار دروویل فرانسوی هم در گزارش مفصل سال ۱۸۱۳ م./ ۱۲۲۸ ق. خود از نوع پوشش و لباس زنان و مردان

۱۱۷. ادوارد گرانویل براون، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی علامه (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴)، ص ۳۱۱.

۱۱۸. برون فیو دور کورف، سفرنامه برون فیو دور کورف ۱۸۳۵-۱۸۳۴، ترجمه اسکندر ذبیحیان (تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۲)، ص ۲۰۴-۲۰۳.

۱۱۹. براون، ص ۳۱۱.

۱۲۰. موریس دوکوتزبوئه، مسافرت به ایران، ترجمه محمود هدایت (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۸)، ص ۱۱۷.

۱۲۱. همان، ص ۱۴۸.

۱۲۲. کرزن، ج ۱، ص ۶۷۱.

۱۲۳. اوین، ص ۳۹.

۱۲۴. برای مطالعه بیشتر، نک: کرزن، ج ۲، ص ۶۶۶.

۱۲۵. اولیویه، ص ۱۶۵-۱۶۰.

ایرانی سخنی از وارداتی بودن پارچه لباس‌های ایرانیان ارائه نمی‌دهد.^{۱۲۶} وارداتی نبودن منسوجات لباس ایرانیان در این دوره به معنی تولید پارچه مورد نیاز در داخل کشور بود. گزارش‌های تاریخی منابع دوره قاجار نیز صحت چنین ادعائی را اثبات می‌کند. اولیویه در گزارش‌های سفر خود به ایران از رونق صنعت نساجی و بافت پارچه‌های ابریشمی، کفنی، پشمی، مخمل، اطلس^{۱۲۷} و حریر^{۱۲۸} در ایران خبر می‌دهد. همچنین وی گزارش می‌دهد: «مقدار پنبه‌ای که در ایران به عمل می‌آید در ایران به مصرف می‌رسد و به خارج نمی‌رود.»^{۱۲۹} مشابه همین گزارش را بارون دوبد در سال ۱۸۴۰م. در خصوص شهر شوشتر و کارگاه‌های ریسندگی آن ارائه می‌دهد. «شوشتر در سال‌های پیشین دارای مزارع وسیع پنبه بود که مواد خام کارگاه‌های ریسندگی خود را تأمین می‌کرده است.»^{۱۳۰} وی همچنین در سفرنامه خود از رونق صنعت نساجی اصفهان و بروجرد و صادرات چیت‌های گلدار تولید شده در بروجرد به ولایت‌های مسلم‌نشین روسیه خبر می‌دهد.^{۱۳۱}

گزارش در خصوص صادرات منسوجات ایرانی به خارج از کشور در دهه‌های اولیه حکومت قاجار تنها به بارون دوبد محدود نمی‌شود. اولیویه هم در سفرنامه خود از صادرات پارچه‌ها رقیق ریسمانی تولید اصفهان به اروپا گزارش می‌دهد.^{۱۳۲} در چنین شرایطی بود که تولید پارچه در داخل کشور نه تنها ایران را در این دوره از واردات پارچه بی‌نیاز کرد؛ بلکه نیازمند واردات مواد مورد نیاز صنعت نساجی نیز می‌کرد. بر اساس گزارش بارون دوبد رنگ مورد نیاز صنایع بافندگی شهر بروجرد از روسیه وارد می‌شد.^{۱۳۳} وی همچنین گزارش می‌دهد که بخشی از پنبه مورد نیاز کارگاه‌های نخ‌ریسی شوشتر از خارج وارد می‌شود.^{۱۳۴} اولیویه هم از واردات نخ از هند^{۱۳۵} و هالیوینگبری از واردات پنبه از این کشور^{۱۳۶} سخن به میان می‌آورد که بدون شک این اقلام در صنعت نساجی پیشه‌وری ایران

۱۲۶. گاسپار دروویل، سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتماد مقدم (تهران: انتشارات شباویز، ۱۳۶۴)، ص ۵۹-۴۹.

۱۲۷. ولیویه، ص ۱۷۴.

۱۲۸. همان، ص ۱۷۸.

۱۲۹. همان، ص ۱۸۶.

۱۳۰. دوبد، ص ۳۳۹.

۱۳۱. همان، ص ۴۳۸.

۱۳۲. اولیویه، ص ۱۷۴.

۱۳۳. دوبد، ص ۴۳۹.

۱۳۴. همان، ص ۳۳۹.

۱۳۵. اولیویه، ص ۱۷۴.

۱۳۶. هالیوینگبری، ص ۲۷.

که به تولید پارچه لباس‌های ایرانیان می‌پرداخت به کار گرفته می‌شد. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که در دهه‌های آغازین قرن نوزدهم برخلاف نیمه دوم قرن واردات منسوجات در ایران متداول نبود.

اما از دیگر اقلام پر مصرف وارداتی کشور پس از ادغام در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم اسباب منزل بود. گزارش سیاحان و ماموران سیاسی اروپائی که در چهار دهه اولیه قرن نوزدهم وارد ایران شده‌اند حاکی از وارداتی نبود اسباب منزل ایرانیان در این زمان است. تره‌زل که به همراه ژنرال گاردان به ایران آمد در این خصوص عنوان می‌کند: «اثاثیه منحصر به فرد ایرانی از قصر گرفته تا کلبه فرش قالی است.»^{۱۳۷} گاسپار دروویل هم در فصلی از کتاب خود تحت عنوان «درباره اثاثیه منزل ایرانیان» عنوان می‌کند: «اثاثیه یک خانه ایرانی به هر اندازه که اهمیت داشته باشد بسیار اندک است. یا بهتر است بگوییم آنچه را که اثاثیه می‌نامند به زحمت سزاوار چنین اسمی است. در ایران از صندلی، میز، نیمکت، قفسه، پرده، آئینه‌قدی، تخت‌خواب و غیره خبری نیست. قالی و نمده فقط تنها زینت اتاق‌هایشان است بلکه تنها چیزی است که به چشم می‌خورد.»^{۱۳۸} کارد، قاشق و چنگال که از اثاثیه مهم منازل است در خانه‌های ایرانی در این زمان وجود ندارد. گاسپار دروویل^{۱۳۹} موریس دوکوتزبوئه^{۱۴۰} کنت دوسرسی^{۱۴۱} از نبود کارد، قاشق و چنگال در منازل ایرانیان و خوردن غذا با دست حتی در دربار گزارش‌هایی ارائه می‌کنند.

متأثر از همین مسأله بود که در دهه‌های ابتدائی این قرن سفرها و نمایندگان سیاسی اروپائی اسباب و اثاثیه منزل از جمله ظروف، کارد، قاشق، چنگال و غیره را با خود بعنوان هدیه به دربار قاجار می‌آوردند. سرجان ملکم در سفر خود به ایران سرویس کارد و چنگال، آئینه‌های قدی، ساعت‌های کوک و ساعت دیواری و پارچه آورده بود.^{۱۴۲} سفیر روسیه به دربار ایران در زمان فتحعلیشاه که موریس دوکوتزبوئه او را همراهی می‌کرد در سال ۱۸۱۷م. با خود هدایائی چون ظروف چینی، بلور تراش، ساعت، آئینه، و انواع پارچه آورده بود.^{۱۴۳} در گزارش دوکوتزبوئه نکته جالبی وجود دارد که

۱۳۷. دوما، ص ۵۸.

۱۳۸. گاسپار دروویل، ص ۹۹.

۱۳۹. همان، ص ۹۰.

۱۴۰. دوکوتزبوئه، ص ۷۶.

۱۴۱. دوسرسی، ص ۱۹۳.

۱۴۲. هالینگبری، ص ۷۰۱.

۱۴۳. دوکوتزبوئه، ص ۱۶۵.

نشان دهند عدم آشنائی ایرانیان حتی درباریان با این کالاها بود. وی گزارش می‌کند که این هدایا به دستور شاه در سلطانیه برای اعیان و رجال ایران به نمایش گذاشته شد و آنان «از مشاهد این اشیاء حیران ماندند و از تماشای آنها دل نمی‌کنند.»^{۱۴۴} در ادامه وی عنوان می‌کند که «بقدری این اشیاء مقبول خاطر اعلحضرت شد که تمام اعیان و رجال را احضار فرمودند تا تحف و هدایائی را که دوست صمیمی‌اش امپراتور روسیه فرستاده ببینند و فوراً به صدراعظم دستور فرمودند چاپاری به تهران بفرست که محلی در قصر برای این اشیاء تخصیص دهند. بعلاوه هرکس مژده بیاورد که این اشیاء صحیح و سالم به تهران رسید هزار تومان مشتلق خواهد داشت و اگر چیزی از آن مفقود و تلف شود سر اهماال کننده آن در گرو آن است»^{۱۴۵} مشابه چنین گزارش که نشان از ذوق زدگی رجال سیاسی ایران از دریافت هدایائی از این دست است از جانب کنت دوسرسیدر سال ۱۸۳۹م. ارائه شد. «اشخاصی که این اشیاء را از من دریافت کردند در قالب خود نمی‌گنجیدند و در مقابل اشیائی که به آنها هدیه می‌کردم زبان به تحسین می‌گشودند.»^{۱۴۶}

نبود اثباب و اثاثیه منزل وارداتی بواسطه عدم واردات این کالاها، در نیمه دوم قرن نوزدهم جای خود را به واردات اثباب و اثاثیه منزل داد. بر اساس گزارش‌های کرزن ظرف و قاشق و چنگال از فرانسه، آلمان و اتریش،^{۱۴۷} لامپا، چهل چراغ، لاله‌جار، سینی، لیوان، استکان، سماور، قوری، نعلبکی، قفل، قاشق و چنگال از روسیه به ایران وارد می‌شده است.^{۱۴۸}

بر پایه گزارش‌های فوق اینگونه می‌توان ادعا کرد که واردات کالاهای ساخته شده به ایران به عنوان یکی از نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی نظام سرمایه‌داری تا پایان دهه چهارم قرن نوزدهم محقق نگردید. تنها پس از این دوره و از طریق سازوکار تحمیل معاهدات تجار و قوانین حقوقی بر پایه حق اتباع دولت کامله‌الوداد مخصوصاً تحمیل عهدنامه تجاری ترکمانچای بود که مقدمات چنین امری فراهم شد. صحت چنین ادعائی را می‌توان از گزارشی که بارون فیودور کورف که در سال ۱۸۳۵م. در آستانه مرگ فتحعلیشاه و تاجگذاری محمدشاه به ایران سفر کرد در خصوص وضعیت صادرات کالاهای اروپائی به ایران اثبات کرد. «بازارهای تبریز مملو است از کالاهای خارجی. سرمایه‌ها پیوسته در گردش است و با وجود این جنب و جوش و این فعالیت‌ها هنوز

۱۴۴. دوکوژبوئه، ص ۱۶۶.

۱۴۵. همان، ص ۱۸۲.

۱۴۶. دوسرسی، ص ۱۰۷-۱۰۶.

۱۴۷. کرزن، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۲.

۱۴۸. همان، ج ۱، ص ۲۸۳.

امکاناتی فراهم نیست تا ایران از کالاهای اروپائی به مقداری که احتیاج دارد استفاده کند. به هیچ وجه نباید تصور شود که علتش کمبود مصرف کنندگان است. این مسأله هیچ دلیلی ندارد جز این که اروپائیان از شرایط محلی و نیازمندی‌های ایران شناختی کاذب دارند و نمی‌توانند خود را با سلیقه ایرانیان تطبیق دهند. ... ایران چاه ویلی است که می‌توانند فراورده‌های اروپائی را به مقدار انبوه به فروش برسانند. البته اگر این فراورده‌ها با نیاز ایران دمساز و با سلیقه مردمش همساز باشد.»^{۱۴۹} وی همچنین در پایان فصل هفتم سفرنامه خود که که به تجارت خارجی ایران اختصاص دارد آرزو می‌کند که: «امیدوارم بزودی زود تبریز، انزلی، رشت و بارفروش^{۱۵۰} از کالاهای روسی انباشته شود و اسکناس‌های مچاله شده ولی معتبر ایرانی انبوه انبوه به صندوق تجارتخانه‌های روسی که در شهرهای پر داد و ستد ایران تأسیس خواهد شد سرازیر شود.»^{۱۵۱}

چهار سال پس از این زمان هنگامی که کنت دوسرسی در سال ۱۸۳۹م. با اهداف سیاسی-اقتصادی از جمله پیدا کردن بازار تازه برای محصولات جدید کارخانه‌ای فرانسه از جانب وزیر خارجه این کشور به ایران سفر کرد،^{۱۵۲} در گزارش خود فضای دیگری را در اقتصاد ایران ترسیم می‌کند که نشان دهنده سرآغاز رشد واردات کالاهای ساخته شده اروپائی به ایران است: «شکی نیست که انگلستان در ایران رقبای بازرگانی قوی‌تری در برابر خود خواهد یافت. نواحی جنوبی روسیه و حتی آلمان شروع به ورود به بازارهای ایران کرده‌اند و آزمایش‌هایشان سودمند بوده است.»^{۱۵۳} اوژان فلانندن هم که در سال ۱۸۴۱-۱۸۴۰م./۱۲۶۶-۱۲۶۵ق. به ایران سفر کرد گزارشی ارائه می‌دهد که نشان دهند رواج واردات کالاهای ساخته شده مصرفی در ایران است. «روز به روز بر واردات زیاد شده و برعکس محصول وطنی به کلی مضمحل و نابود می‌گردد. بر سراسر ایران همین وضع حکم فرماست. سیاحی که ضمن سفر از این اوضاع بویژه فروختن اجناس خارجی بقیمت نازل اطلاع می‌یابد از خود این پرسش را می‌کند تمدن اروپائی عجب به سر تا سر کره بسط یافته و محصولش در جمیع نقاط رواج پیدا نمود.»^{۱۵۴}

بدین ترتیب در پایان دهه چهارم قرن نوزدهم، واردات کالاهای ساخته شده اروپائی به ایران

۱۴۹. دورکورف، ص ۱۲۰-۱۱۹.

۱۵۰. شهر بابل کنونی

۱۵۱. همان، ص ۱۲۵.

۱۵۲. دوسرسی، ص ۲۲.

۱۵۳. همان، ص ۱۰۵.

۱۵۴. اوژان فلانندن، سفرنامه اوژان فلانندن به ایران، ج ۳، ترجمه حسین نورصادقی (تهران: انتشارات اشراقی، ۲۶۳۶)، ص ۱۲۶.

بصورت جدی به عنوان یکی از نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی آغاز شد. این روند در نیمه دوم قرن نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی اول که که جوامع سرمایه‌داری به علت درگیری در جنگ نتوانسته بودند کالا صادر کنند^{۱۵۵} ادامه پیدا کرد و رشد چشم‌گیری نشان داد.

رشد واردات کالاهای ساخته شده به ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم در حالی صورت می‌گرفت که وضعیت راه‌های داخلی ایران برای حمل کالا بسیار نامناسب و نا امن بود. تقریباً تمامی سیاحان و مأموران سیاسی که در دوره قاجار به ایران سفر کرده‌اند از بدی وضعیت راه‌های و نا امنی آن سخن به میان آوردند. گاسپار دروویل،^{۱۵۶} موریس دو کوتزبوئه،^{۱۵۷} بنجامین فرانکلین،^{۱۵۸} ارنست اورسل،^{۱۵۹} سرپرسی سایکس،^{۱۶۰} از بدی وضعیت راه‌های و نامناسب بودن شان بعنوان شبکه حمل و نقل گزارش‌هایی ارائه کرده‌اند. هالینگبری،^{۱۶۱} کرزن،^{۱۶۲} کنت ژولین دوروشسوار،^{۱۶۳} سرسیسیل اسپرینگ زایس^{۱۶۴} و گزارش‌های موجود در اسناد خفیه‌نویسان انگلیس در جنوب ایران^{۱۶۵} نیز از ناامنی راه‌های ایران سخن به میان می‌آورند.

علی‌رغم وجود چنین مشکلاتی صادرات کالاهای ساخته شده به ایران همانگونه که کرزن به آن اشاره می‌کند در نیمه دوم قرن نوزدهم تداوم پیدا کرد. « اقلیم سواحل جنوب مخوف و طاقت فرساست مسافت بین بندر و بازارها سخت طولانی است و گردنه‌های بین راه در بدی ضرب‌المثل و مایه وحشت است. در اینکه با وجود همه این موانع مختلف تجارت هند و انگلیس ترقی نموده و

۱۵۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص تأثیر جنگ جهانی اول کاهش بر واردات کالاهای ساخته شده به جوامع ماوراء‌دریایها،

نک:

اریک هابز باوم، عصر نهایت ها، ج ۲، ترجمه حسن مرتضوی (تهران: آگه، ۱۳۸۲)، ص ۲۱۲-۲۰۹.

۱۵۶. دروویل، ص ۲۲۷.

۱۵۷. دو کوتزبوئه، ص ۸۶.

۱۵۸. بنجامین، ص ۹۸.

۱۵۹. اورسل، ص ۲۳۴.

۱۶۰. سرپرسی سایکس، سفر نامه زرنال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در درون ایران، ترجمه حسن سعادت نوری (تهران:

انتشارات لوحه، ۱۳۶۳)، ص ۱۲۰.

۱۶۱. هالینگبری، ص ۴۱.

۱۶۲. کرزن، ج ۲، ص ۲۴۶.

۱۶۳. دوروشسوار، ص ۴۱ و ۲۸.

۱۶۴. سرسیسیل اسپرینگ زایس، نامه‌های خصوص سرسیسیل اسپرینگ‌زایس، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی (تهران: انتشارات

اطلاعات، ۱۳۷۵)، ص ۶۱.

۱۶۵. وقایع اتفاقیه، به کوشش سعیدی سیرجانی (تهران: نشر نو، ۱۳۶۱)، ص ۲۳۶ و ۴۵.

زمینه کار خود را توسعه داده حاکی از هنر و همت در کار و صنعت است»^{۱۶۶} چنین ترقی محصول توسعه شبکه حمل و نقل در ایران بود. ایجاد خط کشتی‌رانی در کارون توسط برادران لینچ^{۱۶۷} که بنابر گزارش سایکس کالائی به ارزش یک میلیون پوند در سال به ایران صادر می‌کرد،^{۱۶۸} احداث یک راه در جنوب شرق کشور که از بیابان‌های سیستان عبور می‌کرد^{۱۶۹} و کالاهائی به ارزش صد هزار پوند به شرق ایران مخصوصاً خراسان عرضه می‌کرد،^{۱۷۰} و ایجاد چهار خط کشتی‌رانی در بمبئی و سه خط کشتی‌رانی در لندن با هدف صادرات کالا به خلیج فارس و بنادر بوشهر، خرمشهر و بندرعباس^{۱۷۱} و همچنین احداث یک راه کاروان‌رو از اهواز به اصفهان و مرمت جاده تهران، قم و سلطان‌آباد^{۱۷۲} از جمله اقدامات انگلستان جهت توسعه شبکه حمل و نقل برای افزایش کالاهای ساخته شده به ایران بود. روسیه هم به منظور افزایش صادرات کالا به ایران به احداث راه شوسه انزلی به تهران،^{۱۷۳} ایجاد خط کشتی در دریای خزر با هدف صدور کالا به بندر انزلی،^{۱۷۴} و تسطیح راه شوسه تهران به قم^{۱۷۵} مبادرت کرد. با چنین اقدام‌هائی واردات کالاهای ساخته شده به ایران رشد چشم‌گیری یافت.

چنین رشدی طی نیمه دوم قرن نوزدهم تا جنگ جهانی اول از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و اثبات است. یکی از این جنبه‌ها عرضه و فروش کالاهای وارداتی در بازار شهرهای مختلف ایران بود. گزارش‌های سیاحان اروپائی که از نیمه دوم قرن نوزدهم در شهرهای ایران سفر کردند نشان می‌دهد که طی این مدت کالاهای ساخته شده در بازار شهرهای ایران عرضه و خرید و فروش می‌شد. اورسل در سال ۱۸۸۲ م. از عرضه و فروش کالاهای اروپائی در رشت^{۱۷۶} و استرآباد،^{۱۷۷} کلنل

۱۶۶. کرزن، ج ۲، ص ۶۶۴

۱۶۷. اوین، ص ۲۳۶.

۱۶۸. سایکس، ص ۴۳۳.

۱۶۹. دالمانی، ص ۱۰۳.

۱۷۰. سایکس، ص ۴۴۴.

۱۷۱. دالمانی، ص ۱۰۴.

۱۷۲. اوین، ص ۲۳۶.

۱۷۳. روزنامه اختر، سال بیستم، شماره ۳۹ (سه‌شنبه ۱۴ شوال سال ۱۳۱۲)، ص ۶۲۲.

۱۷۴. روزنامه ثریا، سال اول، شماره ۴۱ (شنبه ۲۸ ربیع‌الاول سال ۱۳۱۷)، ص ۶.

۱۷۵. سایکس، ص ۴۴۱.

۱۷۶. اورسل، ص ۲۴.

۱۷۷. همان، ص ۳۳۴.

پیت از حمل چای و شکر به سیستان در سال ۱۸۸۰م. / ۱۲۹۷ق.^{۱۷۸} ادوارد برون در سال ۱۸۸۷م. از عرضه کالاهای اروپائی در شیراز و تهران،^{۱۷۹} کرزن در سال ۱۸۸۹م. از جود کالاهای روسی و انگلیسی در قوچان، مشهد،^{۱۸۰} شاهرود، بندرگز، استرآباد، یزد، بندرعباس،^{۱۸۱} و شوشتر،^{۱۸۳} سایکس در سال ۱۸۹۳م. از فراوانی وجود امتعه روسی و انگلیسی در مشهد،^{۱۸۴} بیرجند،^{۱۸۵} بوشهر، بندر لنگه و بندرعباس،^{۱۸۶} جکسن در سال ۱۹۰۳م. / ۱۳۲۱ق. از فروش کالاهای آمریکائی در تهران^{۱۸۷} و ژان اوبن در سال ۱۹۰۷م. از وجود کالاهای روسی و انگلیسی در بازار زنجان^{۱۸۸} و کالاهای اروپائی در کرمانشاه^{۱۸۹} گزارش‌هایی ارائه می‌کنند.

اما تنوع واردات کالاها از دیگر جنبه‌های قابل بررسی رشد واردات کالاهای ساخته شده به ایران از نیمه دوم قرن نوزدهم است. چنین تنوعی که در برگزیده ارقام بزرگ صادراتی چون پارچه، قند، شکر و چای تا کالاهای کوچکی چون کبریت، سیگار، قهوه، شمع، ادویه،^{۱۹۰} نمک،^{۱۹۱} مشروبات، خرازی‌آلات،^{۱۹۲} لامپا، لیوان، چهل چراغ^{۱۹۳} ... بود را می‌توان در گزارش سیاحان و مأموران سیاسی اروپائی در دوره زمانی مورد بحث مشاهده کرد. کرزن به هنگام بازدید از بازار اصفهان گزارشی از تنوع واردات کالاهای مصرفی در بازار این شهر ارائه می‌دهد: «پارچه‌های نخی کم و بیش و تماماً

-
۱۷۸. چارلز ادوارد پیت، خراسان و سیستان، سفرنامه کلنل پیت به ایران و افغانستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی و مهرداد رهبری (تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۵)، ص ۹۹.
۱۷۹. براون، ص ۳۱۱.
۱۸۰. کرزن، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۶.
۱۸۱. همان، ج ۱، ص ۲۸۳.
۱۸۲. همان، ج ۱، ص ۳۷۷.
۱۸۳. همان، ج ۲، ص ۴۴۶.
۱۸۴. سایکس، ص ۳۰.
۱۸۵. همان، ص ۴۷.
۱۸۶. همان، ص ۴۴۴-۴۴۳.
۱۸۷. جکسن، سفرنامه جکسن، ج ۳، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای (تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹)، ص ۶۴-۶۵.
۱۸۸. اوبن، ص ۳۹.
۱۸۹. همان، ص ۳۰۸.
۱۹۰. دو روششوار، ص ۱۷۷.
۱۹۱. مورگان شوستر، *اقتصاد ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری، با تصحیح و مقدمه اسماعیل راین (تهران: انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۶۸)، ص ۹۲.
۱۹۲. روزنامه مظفری، سال پنجم، شماره ۵ (۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۴)، ص ۱۵.
۱۹۳. کرزن، ج ۱، ص ۲۸۳.

از منچستر و گلاسکو، اوراق مس از لندن، سرب و روی از هندوستان و جاوه، پارچه‌های پشمی از آلمان و اتریش، کله قند از مارسو و هامبورگ، شکر خام از جاوه و جزیره موریس از طریق بمبئی، چای از هند و جاوه و چین، شمع از انگلستان و هلند و مقداری از روسیه، ظروف چینی از انگلستان، شیشه از اتریش، نفت و وسایل چاپ از روسیه.^{۱۹۴} گزارش وی از بازار شیراز نیز بیانگر وجود چنین تنوعی در بازار این شهر است. بر اساس مشاهدات کرزن پارچه‌های نخی از منچستر، پشمی از آلمان و اتریش، قند از مارسو شکر خام از جاوه و جزیره موریس، ظرف و قاشق و چنگال از فرانسه، آلمان و اتریش، ورقه مسی از انگلستان و هلند، چای از هند، سیلان، جاوه و چین و شمع از آمستردام در بازار شیراز به فروش می‌رسید.^{۱۹۵}

علاوه بر این کنت ژولین دو ششوار در سفر سال ۱۸۶۲م. خود گزارشی از تنوع کالاهای وارداتی به ایران ارائه می‌دهد: «واردات عمده ایران از خارجه اینهاست. همه جور پارچه کتانی و ماهوت آلمانی، پارچه‌های ابریشمی لیون، بلور از آلمان، چینی‌آلات از فرانسه و انگلیس، اشیاء مسی و آهنی از فرانسه و بلژیک، جنگ افزار گرم، ساعت و جواهرآلات و کبریت از وین، قند از فرانسه، ادویه از هندوستان، قهوه و کاغذ از روسیه، شمع و کالاهای شیشه‌ای از روسیه، سیگار از تفلیس و چرم از همه جا»^{۱۹۶} جکسن سیاح امریکائی هم در سال ۱۹۰۳م. از واردات کالاهای آمریکائی چون چراغ، ساعت دیواری کبریت، قفل تلمبه، بخاری و چراغ‌های خوراک‌پزی در بازار تهران سخن به میان می‌آورد.^{۱۹۷}

تمرکز بر اقلام وارداتی ایران در این دوره نشان می‌دهد که مصرف برخی از این کالاها پیش‌تر در ایران عمومیت نداشتند اما در نتیجه ادغام ایران در اقتصاد جهانی و واردات این کالاها، مصرف آنها در ایران عمومیت پیدا کرد. بعنوان مثال چای که بنابر گزارش دوروکورف تا زمان جنگ‌های ایران و روس مصرف آن در ایران مرسوم نبود و توسط سربازان روسی مصرف آن به صورت دم کرده در بازار تبریز مرسوم گردید؛^{۱۹۸} در دوره زمانی مورد بحث در نتیجه واردات، مصرف آن مرسوم گردید. در پی مصرف چای واردات کالاهای مورد نیاز برای مصرف چای از قبیل سینی،

۱۹۴. کرزن، ج ۲، ص ۵۲.

۱۹۵. همان، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۲.

۱۹۶. دو روششوار، ص ۱۷۷.

۱۹۷. جکسن، ص ۶۵-۶۴.

۱۹۸. دوروکورف، ص ۱۰۵.

استکان، سماور، قوری و نعلبکی نیز امری بدیهی بود که از روسیه به ایران وارد می‌شد.^{۱۹۹} شیشه هم که بر اساس گزارش‌های دوسرسی در پنجره‌های ایرانیان حتی منازل اعیان مورد استفاده قرار نمی‌گرفت^{۲۰۰} از دیگر اقلام وارداتی در این زمان است که از روسیه^{۲۰۱} و اتریش^{۲۰۲} وارد می‌شد. دو روشسوار در زمان ناصرالدین شاه از زیبایی دلفریب پنجره‌های شیشه‌ای بزرگ سخن به میان می‌آورد.^{۲۰۳} ساعت که در ابتدای دوران قاجار به عنوان هدیه توسط مأموران سیاسی به پادشاه و درباریان ایران داده می‌شد در نیمه دوم قرن نوزدهم از اقلام عمده وارداتی ایران است. استعمال این کالا در دوره زمانی مورد بحث به اندازه‌ای رایج گردید که روزنامه پرروش در برخی از شماره‌های خود تبلیغات فروش آن را درج کرد.^{۲۰۴}

اما نکته دیگری که در خصوص گزارش‌های مربوط به تنوع کالاهای وارداتی جلب توجه می‌کند؛ واردات برخی کالاها علی‌رغم تولید در کشور است. به عنوان مثال تحویلدار در در سال ۱۲۷۲ق. رونق صنف قفل‌سازی سخن به میان می‌آورد.^{۲۰۵} این در حالی است که جکسن در سال ۱۹۰۳م. از رونق روزافزون بازار قفل‌های ساخت ایالات متحده در بازار تهران گزارش ارائه می‌کند.^{۲۰۶} اولیویه در زمان سفر خود به ایران از بدون طالب بودن اسباب‌خرازی فرنگی در ایران سخن به میان می‌آورد.^{۲۰۷} این در حالی است که تحویلدار از ازدیاد وجود کالاهای خرازی فرنگی در بازارهای تبریز و تهران گزارش می‌دهد.^{۲۰۸} پارچه هم که در ابتدای دوران قاجار در ایران تولید و حتی صادر می‌شد به طرز چشمگیری با افزایش واردات مواجه شد. چنین افزایشی در واردات کالاهای ساخته شده پیامد مهمی در اقتصاد ایران عصر قاجار داشت. این پیامد مهم همانگونه که پیش‌تر به آن اشاره شد کسری موازنه تجاری در اقتصاد ایران است که جنبه دیگر از ابعاد قابل توجه

۱۹۹. کرزن، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲۰۰. دوسرسی، ص ۱۸۸.

۲۰۱. اوپن، ص ۳۹.

۲۰۲. کرزن، ج ۲، ص ۵۲.

۲۰۳. دو روشسوار، ص ۱۷۹.

۲۰۴. برای نمونه، نک: روزنامه پرورش، سال اول، شماره ۵ (دوشنبه ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۳۱۸)، ص ۱۶.

روزنامه پرورش، سال اول، شماره ۱۱ (دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۸)، ص ۱۶.

۲۰۵. تحویلدار، ص ۱۰۶.

۲۰۶. جکسن، ص ۶۵-۶۴.

۲۰۷. الیویه، ص ۱۷۸.

۲۰۸. تحویلدار، ص ۱۱۷.

و بررسی رشد واردات کالاهای مصرفی را دربر می‌گیرد و آن را به مهمترین نشانه از نشانه‌های دو گانه ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم تبدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری

ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم از طریق سازوکار تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی با اعمال فشارهای سیاسی و نظامی صورت گرفت. تحقق این امر نیز خود محصول رقابت‌های استعماری سه قدرت انگلستان، روسیه و فرانسه در ابتدای قرن نوزدهم بود. رقابت‌های استعماری این سه قدرت اروپائی با محوریت تسلط بر هندوستان ایران را در کانون توجه دستگاه دیپلماسی این قدرت‌ها قرار داد. در چنین شرایطی ایران در قرن نوزدهم محل اعمال نفوذ سیاسی و اقتصاد این قدرت‌ها قرار گرفت. پیامد چنین اعمال نفوذی تحمیل قراردادهای تجاری، گمرکی و حقوقی به ایران و اعطای حق اتباع دولت کامله‌الوداد از جانب ایران به این کشورها و سایر کشورهای اروپائی بود که در نتیجه آن تجار کشورهای برخوردار از این امتیاز ضمن برخورداری از مصونیت‌های سیاسی و قضائی از امتیاز صادرات و واردات کالا با عوارض گمرکی پنج درصد برخوردار شدند.

برخورداری از چنین امکانی درهای اقتصاد ایران را بر روی تمایلات اقتصادی جوامع سرمایه‌داری و کشورهای برخوردار از این امتیاز باز کرد و بدین ترتیب روند ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم آغاز شد. پروسه ادغام ایران در اقتصاد جهانی تقریباً در کمتر از نیم قرن طول کشید و در نیمه دوم این قرن بود که نشانه‌های ادغام ایران در اقتصاد جهانی ظهور و بروز پیدا کرد. تولید و صدور مواد اولیه مخصوصاً مواد اولیه کشاورزی و واردات کالاهای ساخته شده مصرفی دو نشان مهم ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم بودند که در نیمه دوم این قرن در اقتصاد ایران تجلی پیدا کردند.

گزارش‌های سیاحانی که در دهه‌های اولیه قرن نوزدهم به ایران مسافرت کرده‌اند حاکی از معیشتی بودن اقتصاد کشاورزی ایران بود. این در حالی است که گزارش‌های سیاحان در نیمه دوم قرن نوزدهم حاکی از تجاری شدن کشاورزی ایران با هدف تولید و صدور محصول به بازارهای جهانی است. چنین تغییری در شیوه تولید کشاورزی ناشی از مطالبات و نیازهای صنایع جوامع سرمایه‌داری به مواد اولیه بود. بر پایه چنین نیازی بود که جوامع صنعتی تولید و صدور مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود را از طریق تقسیم کار و مناسبات حاکم بر بازار جهانی به جوامع ماوراء‌دریاه

به عنوان بخشی از کارویژه این جوامع در تقسیم‌کار بازار جهانی تحمیل کردند. جوامع ماوراء‌دریاها هم هر یک بر اساس شرایط اقلیمی و پتانسیل‌های اقتصادی تولید کننده نوع خاصی از مواد اولیه شدند. این وضعیت در خصوص ایران با توجه به شرایط اقلیمی و پتانسیل‌های اقتصاد منجر به تولید و صدور مواد اولیه کشاورزی شد. در این میان اما کشت تجاری دو محصول تریاک و پنبه رویکرد تجاری شدن اقتصاد کشاورزی ایران از یک سو و ادغام ایران در اقتصاد جهانی و دچار شدن ایران به وضعیت باز تولید وابسته به بازار جهانی را بیشتر به اثبات می‌کند.

واردات کالاهای ساخته شده مصرفی نیز دومین نشانه ادغام ایران در اقتصاد جهانی قرن نوزدهم بود. افزایش تولید کالاهای ساخته شده، جوامع صنعتی را با مازدا تولید و الزام به صادرات آن مواجه کرد. در چنین شرایطی بود که جوامع ماوراء‌دریاها به محلی برای صادرات این کالاها تبدیل شدند. از این قاعده ایران در قرن نوزدهم مستثنی نبود. گزارش‌های تاریخی موجود در ابتدای قرن نوزدهم حاکی از وارداتی نبودن کالاهای مصرفی ایران و تولید آن در داخل کشور است. این وضعیت اما در نیمه دوم قرن نوزدهم تغییر کرد. بر اساس گزارش سیاحان واردات چشمگیر انواع مختلف کالاهای ساخته شده موجب عرضه و خرید و فروش این کالاها در شهرهای مختلف ایران شد. در نتیجه چنین وضعیتی بود که به دلیل افزایش حجم واردات، اقتصاد ایران برای نخستین بار در مناسبات اقتصادی مدرن منبعث از نظام جهانی سرمایه‌داری کسری موازنه تجاری را تجربه کرد.

کتاب‌نامه

اسپرینگ‌زایس، سرسیسیل. *نامه‌های خصوص سرسیسیل اسپرینگ‌زایس*. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۵.

امینی، ایرج. *ناپلئون و ایران*. ۲. ترجمه اردشیر لطفعلیان. تهران: انتشارات فرزاد، ۱۳۸۵.
انتنر، مروین ل. *روابط بازرگانی روس و ایران ۱۹۱۴-۱۹۲۸*. ترجمه احمد توکلی. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۶۹.

اوبن، ژان. *سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲.

اورس، تیلمان. *ماهیت دولت در جهان سوم*. ترجمه بهروز توانمند. تهران: موسسه آگه، ۱۳۶۲.
اورسل، ارنست. *سفرنامه اورسل*. ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۵۳.
اولیویه، ا. *سفرنامه اولیویه*. ترجمه محمدطاهر میرزا. به تصحیح غلامرضا وهرام. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.

براون، ادوارد گرانویل. *یک سال در میان ایرانیان*. ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نشر اختران، ۱۳۸۴.

- بنجامین، ساموئل گرین ویلر. *ایران و ایرانیان*. به اهتمام رحیم‌رضازاده ملک. تهران: انتشارات گلبانگ، ۱۳۶۳.
- پری، جان. کریم‌خان زند. ترجمه محمدعلی سلوکی. تهران: انتشارات فراز، ۱۳۶۵.
- پیت، چارلز ادوارد. *خراسان و سیستان، سفرنامه کنل پیت به ایران و افغانستان*. ترجمه قدرت الله روشنی و مهرداد رهبری. تهران: انتشارات یزدان، ۱۳۶۵.
- تخویلدار، میرزا حسین خان. *جغرافیای اصفهان*. بکوشش منوچهر ستوده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- جکسن، *سفرنامه جکسن*. چ ۳. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
- جمالزاده، سید محمدعلی. *گنج شایگان*. چ ۳. تهران: سخن، ۱۳۸۴.
- حاج سیاح، *خاطرات حاج سیاح*. چ ۲. بکوشش حمید سیاح. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۲۵۳۶.
- خورموجی، محمد جعفر. *حقایق الاخبار ناصری*. چ ۲. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: نشر نی، ۱۳۶۳.
- دالمانی، هانری رنه. *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه فره‌وشی. تهران: کتابفروشی ابن‌سینا و موسسه امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- دروویل، گاسپار. *سفر در ایران*. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم. تهران: انتشارات شباویز، ۱۳۶.
- دو روششوار، کنت ژولین. *خاطرات سفر ایران*. ترجمه مهران توکلی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- دوبد، کلمنت اوگاستس. *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمد حسین آریا. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
- دورکوف، بارون فیو. *سفرنامه بارون فیودورکوف ۱۸۳۵-۱۸۳۴*. ترجمه اسکندر ذبیحیان. تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۲.
- دوسرسی، کنت. *ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰*. ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- دوکوتزبونه، موریس. *مسافرت به ایران*. ترجمه محمود هدایت. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- دوما، ژ.ب. *یادداشت‌های ژنرال تره‌زل در سفر به ایران*. ترجمه عباس اقبال. تهران: انتشارات یساولی، ۱۳۶۱.
- دیو لافوا، مادام. *سفرنامه دیو لافوا*. چ ۲. ترجمه فره‌وشی. تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۱.
- راعی گولجه، سجاد. *قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری*. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- رایت، سردنیس. *انگلیسی‌ها در میان ایرانیان*. ترجمه اسکندر دلد. تهران: انتشارات نهال، ۱۳۶۴.
- روزنامه اختر*. سال بیستم، شماره ۳۹. سه‌شنبه ۱۴ شوال سال ۱۳۱۲.
- روزنامه اختر*. سال بیست و دوم، شماره ۳، سه‌شنبه ۱۶ محرم سال ۱۳۱۳.
- روزنامه پرورش*. سال اول، شماره ۵. دوشنبه دوازدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۸.
- روزنامه پرورش*. سال اول، شماره ۶. دوشنبه نوزدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۸.
- روزنامه پرورش*. سال اول، شماره ۱۱. دوشنبه بیست و چهارم ربیع‌الثانی سال ۱۳۱۸.
- روزنامه ثریا*، سال اول، شماره ۴۱. شنبه بیست‌وهشتم ربیع‌الاول سال ۱۳۱۷.

- روزنامه چهره نما، سال دوم، شماره ۲۴، رگره جمادی‌الاول سال ۱۳۲۳، ص ۱۵.
- روزنامه چهره‌نما، سال اول، شماره ۱۲، ۱۵ شعبان سال ۱۳۲۲، ص ۱۱.
- روزنامه چهره‌نما. سال دوم، شماره ۱، نمره ۲۵، ۱۰ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۳.
- روزنامه چهره‌نما. سال دوم، شماره ۲۲، غره ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۳.
- روزنامه حکمت. سال نوزدهم. شماره ۹. پنج شنبه ۱۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۹.
- روزنامه مظفری. سال پنجم. شماره پنجم. ۵ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۴.
- روزنامه نصری. سال دوم. شماره ۲۹. شنبه ۱۱ رجب سال ۱۳۱۴.
- ژوبر، پیر آمده. مسافرت در ارمنستان و ایران. ترجمه علی‌قلی اعتماد مقدم. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
- سایکس، سرپرسی. سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس. ترجمه حسن سعادت‌نوری. تهران: لوحه، ۱۳۶۳.
- شوستر، مورگان. اختناق در ایران. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. با تصحیح اسماعیل رائین. تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۸.
- عیسوی، چالز، تاریخ اقتصادی ایران (۱۳۳۲-۱۳۱۵ ه-ق). ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹.
- فلاندن، اوژان. سفرنامه اوژان فلاندن به ایران. ج ۳. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: انتشارات اشراقی، ۲۶۳۶.
- فوروکاوا، نوبویوشی. سفرنامه فوروکاوا. ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیجی ئەاورا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.
- قاضیها، فاطمه. اسنادی از روند اجرائی معاهدی ترکمانچای ۱۲۵۰-۱۲۴۵ ق. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴.
- کرزن، جرج. ن. ایران و قضیه ایران، ج ۱ و ۲. ج ۲. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- کروسینسکی، ده سفرنامه. ترجمه مهرباب امیری. تهران: انتشارات وحید، ۱۳۶۹.
- کمپ، تام و هاری مگداف. امپریالیسم تاریخ، تئوری، جهان سوم. ج ۵. ترجمه و اقتباس هوشنگ مقتدری. تهران: کویر، ۱۳۸۲.
- گاردان، آلفرد دو. خاطرات مأموریت ژنرال گاردان در ایران. ج ۲. ترجمه عباس اقبال آشتیانی. به کوشش همایون شهیدی. تهران: انتشارات گزارش، ۱۳۶۲.
- گزارش کارملیت‌ها از ایران در دوره افشاریه و زندیه. ترجمه معصومه ارباب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی. نسخ‌التواریخ. ج ۲. به کوشش جمشید کیانفر. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- محمود، محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم. ج ۱. ج ۴. تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکا، ۱۳۵۳.
- منصورخت، قباد «کشاورزی‌تجار در دوره قاجار». فصلنامه تاریخ ایران. شماره ۳ (پیاپی ۶۱/۵). تابستان ۱۳۸۸. ص ۱۵۰-۱۲۳.
- نیبور، کارستن. سفرنامه کارستن نیبور. ترجمه پرویز رحبی. تهران: انتشارات توکا، ۱۳۵۴.

واتسن، رابرت گرانت. *تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا ۱۸۵۸*. ترجمه ع. وحیدمازندرانی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰.

وقایع اتفاقیه. به کوشش سعیدی سیرجانی. تهران: نشر نو، ۱۳۶۱.
ویلس، چارلز جیمز. *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. چ ۲. ترجمه سید عبدالله، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام. تهران: نشر طلوع، ۱۳۶۶.

هابز باوم، اریک. *عصر نهایت ها*. چ ۲. ترجمه حسن مرتضوی، تهران: آگه، ۱۳۸۲.
هالینگبری، ویلیام. *روزنامه سفر هیأت سرجان ملکم به دربار ایران*. ترجمه امیر هوشنگ امیری. تهران: کتابسرا، ۱۳۶۳.

هانت، ای. ک. *تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی*. ترجمه سهراب بهداد. تهران: آگه، ۱۳۸۱.